

تحلیل پاره‌فرهنگی در نظریه قرآنی کجروی

علی سلیمی*

چکیده**

پیوندهای پاره‌فرهنگ‌ها و مؤلفه‌های پاره‌فرهنگی با کجروی و بزه‌دیدگی، یک محور عمده در نظریه قرآنی کجروی است. این تحقیق، تحلیل قرآن را از این پیوندها مطالعه می‌کند و بخشی از یک طرح پژوهشی است که بنا دارد نظریه اجتماعی متون مقدس اسلامی را در این زمینه، شناسایی و تدوین کند. یافته‌ها نشان می‌دهند که در این تحلیل قرآنی، ۴۳ عامل از سطوح مختلف، تلفیق و روابط آنها به شکلی نظام‌مند و با تفصیلی مناسب در شش محور بررسی شده‌اند. این تحلیل در قالب یک الگوی نظری، ارائه می‌شود. و شناخت‌های نوی را پیرامون موضوع دربر دارد. روش تحقیق، تحلیل محتوای کیفی با رویکرد ترکیبی است. این روش توانسته ضوابط تفسیر متن در علوم اسلامی و اجتماعی را رعایت کند و به فهمی از آیات و فرازهای قرآنی برسد که در هر دو حوزه علمی، دارای روایی است.

واژگان کلیدی: نظریه قرآنی کجروی، تحلیل محتوای کیفی (ترکیبی)، (تفسیر شیعی) آموزه‌های قرآنی، تبیین (تلفیقی/پاره‌فرهنگی)، پاره‌فرهنگ، کجروی، بزه‌دیدگی.

Email: ali_salimi@rihu.ac.ir

* استادیار گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
** این مقاله، بخشی از طرح «جامعه‌شناسی کجروی: با نگرش اسلامی» در گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه است. نویسنده از آقای جلال عباسی که با تدوین پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در این زمینه (عباسی، ۱۳۹۲)، یاری‌گر گام‌های آغاز تحقیق بوده‌اند، سپاس‌گزاری می‌کند.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۲ تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۳/۱۵

۱. مسئله

واژه پاره‌فرهنگ، در طول بیش از یک قرن، اهمیت خود را در تبیین‌های جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی حفظ کرده و به‌رغم آنکه بعد جمعی و ساختی کنش را بزرگنمایی می‌کند، در حوزه‌های اثرگذاری چون رفتارگرایی، مارکسیسم، انسان‌شناسی، کنش متقابل نمادین و پسانوگرایی، کاربرد داشته و سبب نزاع آنها بر سر مالکیت خود شده است.^۱ از دلایل این اهمیت و ماندگاری، یکی، ظرفیت این واژه برای توجه به دو مضمون عاملیت و ساختار و پیوند دادن آنهاست و دیگر، اشاره‌ای است که به معنا و تجربه زیسته دارد (بلاکمن، ۲۰۱۴، ص ۷۰۷، ۷۱۰؛ گلستروپ، ۲۰۰۶، ص ۶۱۳؛ جنکس، ۲۰۰۴، ص ۶).

افزون بر این، مطالعه پاره‌فرهنگ‌ها از مهم‌ترین شیوه‌های بررسی آسیب‌های اجتماعی است. این در حالی است که محققان برآنند که این مطالعات، هم در ایران و هم در دیگر کشورها، سهم ناچیزی را در عرصه یاد شده به خود اختصاص داده‌اند. آنان بی‌توجهی به نقش مؤلفه‌های پاره‌فرهنگی را نیز از کاستی‌های مهم سیاست‌گذاری‌های بومی در مقابله با پدیده‌های کجروانه می‌دانند و در این خصوص، از جمله به غفلت از باورها و هنجارهای پاره‌فرهنگی و تسهیل‌گر مصرف مواد مخدر در سیاست‌های پیشگیری از این پدیده، اشاره دارند (قادری و محسنی، ۱۳۸۹، ص ۳۸، ۵۳؛ امین‌صارمی، ۱۳۷۷، ص ۹).

در این بین، قرآن کریم، به شکلی گسترده، به مضمون پاره‌فرهنگ و نقش مؤلفه‌های پاره‌فرهنگی در روابط اجتماعی توجه دارد.^۲ تا آنجا که تحلیل نقشی که این مؤلفه‌ها، به‌ویژه در تعریف و شکل‌گیری کجروی و بزه‌دیدی دارند، یک محور اساسی در نظریه قرآنی کجروی است. بخش مهمی از این نظریه را شکل می‌دهد و همچنین نقش مهمی در شناخت تدبیرهای کنترلی نسبت‌پذیر به نظام کنترل اجتماعی اسلامی دارد. چون در این نظام، تدوین راهکارها مبتنی بر شناسایی عوامل مؤثر بر کجروی و بزه‌دیدی و مکانیسم‌های تأثیر آنهاست.^۳ بدین شکل، مسئله تحقیق حاضر،

۱. در این زمینه، فرض تحقیق حاضر، آن است که این گونه مفهوم‌ها، به‌رغم آنکه مولود یک دستگاه نظری یا نظریه خاص باشند، هويت یا معنای آنها غالباً منحصر به آن حوزه یا نظریه نیست. و فارغ از هم‌بسته‌هایی که در آن دستگاه نظری دارند، می‌توانند در فضای دیگری، مطرح و بررسی شوند (ر.ک: بوریل و مورگان، ۱۳۸۳، ص ۱۴۱-۱۴۶).

۲. این، از جمله، از آن‌روست که نهضت‌های پیامبران در مسیر رشد خود به اجتماع‌هایی با هويت فرهنگی خاص، بدل می‌شدند و در پیوند با پاره‌فرهنگ‌های دیگر قرار می‌گرفتند و چون حقانیت باورها، ارزش‌ها و هنجارهای آنها را نفی می‌کردند، در نوعی تقابل فرهنگی با آنها قرار می‌گرفتند. این شرایط، از یک‌سو، سبب شده است که بتوان در قرآن، تحلیلی عمیق و فراگیر پیرامون شکل‌گیری و رشد این نهضت‌ها، اشاعه باورها، ارزش‌ها، الگوها و هنجارهاشان به فرهنگ‌های مجاور و واکنش‌های آن فرهنگ‌ها مشاهده کرد و آن را در سطح یک نظریه ارتباطات میان‌فرهنگی بدین کتاب آسمانی نسبت داد (ر.ک: سلیمی، ۱۳۸۹).

۳. از سوی دیگر، بیانگر وجود پیشینه تاریخی و اجتماعی مناسبی برای شکل‌گرفتن رویکرد پاره‌فرهنگی در تحلیل قرآن از کجروی و بزه‌دیدی است و مجال را برای نسبت دادن این رویکرد به نظریه قرآنی کجروی، فراهم می‌آورد.

این نکته یکی از اصول مورد توجه در آموزه‌های اسلامی است، نمونه آن در سخن زیر از امام سجاد (علیه السلام) بیان شده است:

«آنکه در دش را نشناسد، دارویش تباهش می‌کند» (حلوانی، ۱۴۰۸، ص ۹۱، ش ۱۳؛ دیلمی، ۱۴۰۸، ص ۲۹۹).

بررسی و ارائه تحلیلی است که می‌توان درباره نقشی که پاره‌فرهنگ‌ها و مؤلفه‌های پاره‌فرهنگی در تعریف و شکل‌گیری کجروی و بزه‌دیدگی دارند، به قرآن کریم نسبت داد.

۲. هدف‌ها، پرسش‌ها و روش تحقیق

با توجه به نکات بالا، هدف‌های کلی تحقیق به شرح زیر بوده‌اند: فهم پاسخ‌های قرآن به پرسش‌های علوم اجتماعی درباره مناسبات مؤلفه‌های پاره‌فرهنگی و کجروی و بزه‌دیدگی، ارائه شناخت‌هایی از این مناسبات به مطالعات اجتماعی که با فرهنگ جامعه اسلامی همخوان باشد، و توان‌سنجی گزاره‌های قرآنی در تبیین آنها در قالب نظریه‌ای که معیارهای پذیرش در علوم اجتماعی را دارد. همچنین با توجه به روش تحقیق، هدف جزئی، تحلیل محتوای کیفی قرآن و موضوع آن، توصیف نگاه قرآن در تبیین مناسبات پاره‌فرهنگ‌ها و کجروی و بزه‌دیدگی است.

پرسش اصلی تحقیق به شرح زیر است: «الگوی نسبت‌پذیر به قرآن در تبیین مناسبات پاره‌فرهنگ و کجروی و بزه‌دیدگی چیست؟». این پرسش با توجه به ابعادی که در تحلیل قرآن مشاهده می‌شود به ۳ پرسش فرعی، تفکیک شده است:

۱. تحلیل قرآن از تعریف پاره‌فرهنگی کجروی و عناصر سازنده این تعریف چیست؟

۲. تحلیل قرآن از مناسبات علی پاره‌فرهنگ‌ها و کجروی و بزه‌دیدگی چیست؟

۳. تحلیل قرآن از عناصر میانجی در مناسبات علی پاره‌فرهنگ‌ها و کجروی و بزه‌دیدگی چیست؟

روش تحقیق، تحلیل محتوای کیفی است. سطح تحلیل، توصیف و رویکرد آن، ترکیبی است. این رویکرد در آغاز تحلیل، پرسش‌ها، مقوله‌ها و روابط بین آنها را به شکل قیاسی یا پیشینی و برحسب دانش موجود پیرامون موضوع، تدوین می‌کند و از این‌رو، با هدف فهم پاسخ‌های قرآن به پرسش‌های علوم اجتماعی تناسب دارد (ر.ک: محسنی و سلیمی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۹-۱۴۴). سپس برای شناسایی مقوله‌های جدید یا پالایش مقوله‌های اولیه به مطالعه استقرایی می‌پردازد (ر.ک: فورمن و دمسکرودر، ۲۰۰۸، ص ۴۳). بازده مورد انتظار از تحلیل محتوای کیفی نیز بیان معنای اطلاعات کیفی در قالب مقوله‌ها یا مضمون‌های پاسخگو به پرسش‌های تحقیق است (چو و لی، ۲۰۱۴، ص ۱۲).

واحد سنجش، گزاره قرآنی است که این تحقیق، آن را برداشت‌های تفسیری معتبر از فرازهای قرآنی می‌داند.^۱ مقوله‌بندی، موضوعی و ناظر به محتوای این گزاره‌هاست. بافت تحلیل، مضمون‌های نظری ماندگار در مطالعات کجروی و یافته‌های تجربی مرتبط با آنهاست و چون تحقیق، گامی ابتدایی در قلمرو مورد نظر است، ماتریس تحلیل از محورهای کلی این بافت تشکیل شده است. پرسش‌ها و مقوله‌های تحلیل براساس این ماتریس، تدوین و فرازهای قرآنی در

۱. همچنین تلاش شده است تا مفاد گزاره‌ها بیانگر قاعده کدگذاری آیه یا فراز مرتبط از آن باشند.

قالب مقوله‌ها کدگذاری و بازچینی شده‌اند. شیوه گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای و ابزار آن، پرسشنامه معکوس بوده است.

آیات و فرازهای قرآنی مرتبط با جستجوی کلیدواژه‌های ناظر به مقوله‌ها و نمونه‌گیری گلوله‌برفی (ر.ک: رنجبر و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۲۴۳)، شناسایی و گزینش شده‌اند. روایی این نمونه‌گیری را رجوع به تحلیل‌های مفسران تأمین می‌کند؛ زیرا، شالوده این تحلیل‌ها، توجه به ساختار معنایی کلی آیات، ارتباط ذاتی و قرینه بودن آنها در فهم یکدیگر است (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۸۸-۳۰۰؛ مصباح، ۱۳۷۶، ص ۱۰-۱۱؛ رجیبی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۹) و مراجعه به آنها مجال شناسایی و دسترسی به مجموعه اطمینان‌آوری از اطلاعات مرتبط - اعم از مخالف، مخصّص، مقید یا مکمل - را فراهم می‌کند.^۱ همچنین در فرایند جستجو ۳۸۷ آیه، گزینش و به برداشت‌هایی که از ۶۹ آیه به دست آمده‌اند، در قالب ۵۵ گزاره شاهد، استناد شده است.

برای دستیابی به تفسیر معتبر، ابتدا برداشت‌هایی انتخاب شده‌اند که با کمترین مقدمات لفظی، معنایی، منطقی، تاریخی و... از آیات و فرازهای قرآنی فهم می‌شدند. این برداشت‌ها بر منابع تفسیری، عرضه و نظرات مفسران - به‌عنوان آرای کدگذاران - گردآوری شده‌اند. اعتبار این آرا را نیز با معیارهای زیر سنجیده‌ایم: معتبر بودن صاحبان آن، اینکه به صراحت، بیانگر برداشت مورد نظر باشند، و اینکه شمار آرای موافق با آن به حدی باشد که، از نگاه علوم اسلامی، یک رأی تفسیری قابل اتکا محسوب شود. به همین شکل، ابتدا به منابع معتبرتر مراجعه می‌شد.^۲ و اگر آرای آنها برای تأیید شدن برداشت کافی نبودند، منابع دیگر بررسی می‌شدند. طی شدن این مسیر، برداشت‌ها را از نگاه علوم اسلامی، معتبر می‌کند. و در علوم اجتماعی، مجوز استنتاج معانی پنهان و معیار روایی تفسیر است (هولستی، ۱۹۶۹، ص ۵۹۸؛ برگ، ۲۰۰۱، ص ۲۴۲-۲۴۳).

۱. در تحلیل محتوای کیفی، نمونه‌گیری دارای روایی است؛ اگر نمونه‌ها ۱. قابل اعتماد؛ ۲. حاوی بیشترین اطلاعات درباره پرسش‌ها باشند؛ ۳. سبب سوگیری پاسخ‌ها نشوند و ۴. عمده اطلاعات مرتبط را شامل باشند. به شکلی که مواردی که از قلم می‌افتند، تحلیل را ضعیف نکنند (کرپیندورف، ۲۰۰۴، ص ۹۹، ۱۱۲-۱۱۶ و ۳۱۹؛ وایت و مارش، ۲۰۰۶، ص ۳۶؛ فورمن و دمسکرودر، ۲۰۰۸، ص ۴۳). این ویژگی، همچنین یکی از وجوه روایی تفسیرهای قرآن از منظر علوم اسلامی است. چون اطمینان از لحاظ شدن مجموعه اطلاعات یاد شده، یکی از عناصری است که اجازه می‌دهد برداشت مورد نظر را با قطعیت لازم به قرآن نسبت دهیم.

۲. این تفسیرها عبارت بوده‌اند از: التبیان فی تفسیر القرآن (شیخ طوسی)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن (شیخ طبرسی)، روض الجنان و روح الجنان (ابوالفتوح رازی)، زبدة التفاسیر (فتح‌الله کاشانی)، تفسیر الصافی (فیض کاشانی)، المیزان فی تفسیر القرآن (علامه طباطبایی)، تفسیر نمونه (آیت‌الله مکارم شیرازی و همکاران)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن (علامه صادقی تهرانی) و من وحی القرآن (علامه فضل‌الله).

۳. چارچوب مفهومی

پاره‌فرهنگ را مجموعه ارزش‌ها، شیوه‌های کنش و نگرش‌های مرتبط با سبک زندگی و مناسک گروه‌های اجتماعی می‌دانند که با فرهنگ فراگیر جامعه یا گروه‌های دیگر، تفاوت دارند (بلاکمن، ۲۰۱۴، ص ۷۰۷). این مفهوم از آغاز با کجروی پیوند داشته است (همان‌جا) و به پیوند آن با مجموعه‌های خاص و متمایز باورها، ارزش‌ها و کنش‌ها اشاره دارد (گِلستروپ، ۲۰۰۶، ص ۱۳). برخی برآنند که نخست، انسان‌شناسان، این واژه را درباره زیرگروه‌های فرهنگ‌های محلی به کار برده‌اند (همان‌جا). در سال‌های اول تا میانه قرن بیستم نیز دو رویکرد رفتارگرایی و کارکردگرایی، آن را نگرشی منفی شمرده‌اند که مشوق کجروی است و مشکلاتی را برای نظم و وفاق موجود در جامعه پدید می‌آورد.

در دهه ۱۹۵۰م، طبقه اجتماعی یکی از عناصر تعیین‌کننده این مفهوم بود. کارکردگرایان ساختی، آن را در بافت تأثیر متقابل فرهنگ، ساختار و فشاری ساختاری تصویر می‌کردند که از دسترسی‌های متفاوت طبقات اجتماعی به فرصت و پاداش ناشی می‌شد. دو دهه بعد، نظریه‌پردازان مرکز مطالعات فرهنگی معاصر در دانشگاه بیرمنگام - تحت تأثیر رویکردهای روان‌کاوی، برچسب‌زنی، پاسا ساختارگرایی و مارکسیسم ساختاری و فرهنگی - مفهوم‌های مقاومت^۱، مخالفت^۲ و استیلا^۳ را به این واژه پیوند زدند. آنها پاره‌فرهنگ را بازنمود تناقض‌های^۴ اجتماعی و بیانگر تحاشی^۵ نمادین از نظم مرسوم شمردند. و بدین شکل، زمینه جدایی آن را از کجروی فراهم کردند. تحقیقات بعدی نیز، عناصر نژادی، جنسیتی، ایدئولوژیک و همچنین ترکیب سنی جامعه را در کنار مفهوم طبقه به کار گرفتند.

در آغاز قرن ۲۱، پاسا پاره‌فرهنگ‌گرایان دیدگاه‌های پیشین را، از جمله به سبب تکیه بر طبقه اجتماعی و نوگرایی، نقد کردند و واژه‌های قبیله، نوقبیل^۶، پاسا پاره‌فرهنگ و سبک زندگی را در جایگزینی پاره‌فرهنگ پیشنهاد دادند. در این دیدگاه، جمعی بودن و الزام اجتماعی در کنش پاره‌فرهنگی، کمرنگ هستند و مصرف فردی خلاق و گزینش‌گرانه و سبک زندگی، پاره‌فرهنگ را شکل می‌دهند. کانون توجه آن، فضامندی^۷، محلّیت^۸ و هویت سیال^۹ فردی است و تأکیدی افراطی بر عاملیت دارد. محققان متأخر، در نوعی بازگشت، برآنند که فعالیت‌های پاره‌فرهنگی، حضوری جمعی در فرهنگ و جامعه دارند و هویت‌های پاره‌فرهنگی در شرایط اجتماعی شکل می‌گیرند (بلاکمن، ۲۰۱۴، ص ۷۰۸-۷۱۰؛ گِلستروپ، ۲۰۰۶، ص ۶۱۳-۶۱۴؛ دیویس، ۱۹۹۹،

1. resistance

2. dissent

3. Hegemony

4. contradictions

5. Eschewing

6. neo-tribe

7. Spatiality

8. locality

9. fluid

ص ۱۹۴-۱۹۹). برخی نیز بر آنند که می‌شود ایده‌های سنتی و اخیر این حوزه را آشتی داد و مدعی‌اند خود، این کار را کرده‌اند (چنکس، ۲۰۰۴، ص ۶).

در بیانی کلی، رویکرد پاره‌فرهنگی، کجروی را کنشی جمعی می‌داند (گِلستروپ، ۲۰۰۶، ص ۶۱۴) و این تعریف را با فهم کلی خود از جامعه پیوند می‌زند؛ یعنی، مجموعه‌ای از قطعه‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوت، هم‌عرض، مستقل و مرتبط که نگرش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، الگوهای کنش و علائق و منافع متفاوت - و گاه معارض - با یکدیگر دارند (وایت و هینز، ۱۳۹۰، ص ۶۲). لذا، در سنخ نوعی این رویکرد، کجروی در خلال روابط بین قطعه‌ها معنا می‌یابد و بیانگر ناسازگاری عملکرد اعضای یک قطعه با مؤلفه‌های یاد شده قطعه (های) دیگر است. حاصل آنکه، یک کنش آنگاه که با مؤلفه‌های یک قطعه همساز باشد، آماج داورى قطعه دیگر قرار می‌گیرد؛ و کجروی، شمرده می‌شود (رایتزن، ۱۹۹۸، ص ۱۰۴، ۱۰۷؛ سلیمی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۳-۱۳۴، ۱۴۳).

بدین ترتیب، این سنخ نوعی در قالب توجه به محورهای کلی زیر ترسیم می‌شود:

۱. وجود قطعه‌ها / نظام‌های مستقل و متعدد ارزشی و هنجاری و، در پی آن، هویت‌های فردی و جمعی خاص و متمایز در هر قطعه؛

۲. وجود مؤلفه‌های فرهنگی (نگرش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، الگوهای کنش و علائق و منافع) متفاوت - و گاه معارض - در قطعه‌ها؛

۳. همسویی و پای‌بندی اعضای هر قطعه به مؤلفه‌های پاره‌فرهنگ خودی و ناهم‌سویی با مؤلفه‌های پاره‌فرهنگ‌های بیگانه؛

۴. داورى‌ها و واکنش‌های پاره‌فرهنگی (مبتنی بر مؤلفه‌های خودی).

گزاره‌های آتی، نمونه‌هایی از آرا و یافته‌های ناظر به این محورها در مطالعات پاره‌فرهنگی کجروی هستند. و خطوط کلی این رویکرد را، به شکل مناسبی، ترسیم می‌کنند. از این‌رو، می‌توانند شالوده قابل‌انکایی برای شناسایی آرای متناظر در گزاره‌های قرآنی باشند. البته، این آرا همانند حوزه‌های دیگر، عمدتاً تلفیقی‌اند و عناصر پاره‌فرهنگی را به عناصر برخاسته از حوزه‌های نظری دیگر پیوند می‌دهند. این گزاره‌ها نیز شماری از عوامل مختلف خرد، میانه و کلان را در خود دارند:

- پاره‌فرهنگ‌ها، باورها و ارزش‌های مشترک، واژگان خاص و شیوه‌های متمایزی برای عمل و پوشش دارند و از آنها حمایت می‌کنند (گِلستروپ، ۲۰۰۶، ص ۶۱۳-۶۱۴)؛

- اعضای پاره‌فرهنگ نوجوانان در ویژگی‌های زیر مشترکند: تجربه‌های مرتبط با سن، محبوبیت فرد بین همسالان، مشغولیت‌های جوانانه^۱ و علاقه به مصرف‌گرایی (دیویس، ۱۹۹۹، ص ۱۹۳؛ به نقل از کلمن، ۱۹۶۱)؛

- (از نظر کارکردگرایان) پاره‌فرهنگ‌های کجرو، با ایجاد ارزش‌های کجروانه، اهداف متعارف را واژگونه می‌کنند (بلاکمن، ۲۰۱۴، ص ۷۰۸)؛
- کنش‌های پاره‌فرهنگ‌های جوانان طبقه کارگر، نوعی ایستادگی^۱ فرهنگی است (دیویس، ۱۹۹۹، ص ۱۹۵؛ به نقل از جامعه‌شناسان مارکسیست دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰)؛
- کنشی که هم‌نوایی با یک پاره‌فرهنگ خاص و در راستای نیازها و ارزش‌های آن است می‌تواند بیرون از آن، کجروانه محسوب شود (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۱۳۹-۱۴۰)؛
- شکل‌گیری پاره‌فرهنگ به آسان شدن تجمع و تعامل آنان که نمایش‌های نمادین یکسان دارند و تیره شدن روابط با فاقدان این ویژگی می‌انجامد (افروغ، ۱۳۷۵، ص ۱۵۹)؛
- نبود شباهت‌های قومی، ناهم‌ساز بودن ارزش‌ها و باورها، نگرش‌های کلیشه‌ای و تفاوت محور و تصور بی‌عدالتی درباره قوم خودی، زمینه تمایل به خودی ندیدن پاره‌فرهنگ‌های دیگر و حس ناامنی، حالت دفاعی و کنش‌های پیوندگرایز^۲ در تعامل با آنهاست. این کنش‌ها از جمله عبارتند از: مقوله‌بندی، کلیشه‌ای‌سازی، واگرایی، سخنان پیش‌دورانه و پست‌انگاری دیگران^۳ (کیم و مک‌کی-سملر، ۲۰۱۰، ص ۷-۹؛ گادیکانست، ۲۰۰۵، ص ۷۱-۷۲)؛
- برخورد داشتن یا واگرایی باورها و ارزش‌های پاره‌فرهنگ‌ها و کنش‌های اعضای آنها، اینکه آنان یکدیگر را بیگانه بدانند یا کاربرد نادرست معیارها و انتظارات مربوط به یک موقعیت، سبب می‌شود که آنها بپندارند وجهه (Face) شان تهدید شده است و در صدد مدیریت هویت اعضا یا ستیز با عوامل تهدید بر آیند (تینگ‌تومی، ۲۰۰۹، ص ۳۷۱-۳۷۴؛ گادیکانست، ۲۰۰۵، ص ۶۷-۶۸)؛
- جرم نفرت^۴ بیانگر جرم‌های متأثر از حساسیت‌ها و پیش‌دوری‌های دینی، نژادی، قومی، طبقاتی، جنسیتی و بزه‌دیدگی ناشی از آنها در افراد، قشرها و اقلیت‌های فاقد قدرت است و یادآور می‌شود که اعضای یک پاره‌فرهنگ، کنش‌ها، افکار، ایده‌ها و اعضای پاره‌فرهنگ‌های دیگر را بیگانه، ناروا یا نامطلوب می‌دانند و با انگیزه‌های زیر در برابر آنها واکنش نشان می‌دهند: احساس تکلیف نسبت به دفاع از پاره‌فرهنگ خودی و هویت آن و تقویت انسجام آن پاره‌فرهنگ، تقویت اعتماد به نفس خودی‌ها، انتقام‌جویی یا هیجان‌طلبی (ویلسون، ۲۰۰۹، ص ۱۰۵؛ سیجل، ۲۰۱۱، ص ۳۵۹-۳۶۱)؛
- هنجارهای متفاوت پاره‌فرهنگ‌ها، قواعد و الگوهای متفاوت و گاه متضاد کنش را شکل می‌دهند؛ تا آنجا که افراد، گاه بدون تقصیر و گاه بدون نیاز به مکانیسم‌های خنثی‌کننده احساس تقصیر، قواعد را نقض می‌کنند (کوهن، ۱۹۶۸، ص ۱۵۰-۱۵۱)؛

1. Resistance

2. dissociative

3. Ethnophaulism

4. hate crime

- در پاره‌فرهنگ دهقانی، انگیزه‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌ها - در شکل‌هایی مانند بی‌اعتمادی در روابط بین شخصی، تصور خیر محدود، تقدیرگرایی، سطح پایین آرزوها، عجز از چشم‌پوشی از منافع آتی در ازای منافع آتی - آمادگی افراد را برای پذیرش تغییر از بین می‌برند و مانع نوآوری، نوسازی و مشارکت می‌شوند (موسوی، ۱۳۸۴، ص ۳۰۴-۳۰۷)؛

- ملحدان^۱ معاصر، باورها و رویه‌های خود را با ارجاع به فرهنگ‌های اروپایی پیش از مسیحیت و نمادهای آنها تعریف می‌کنند؛ تا بر حس ناهمگونی قومی، فرهنگی و زبانی اعضای خود - که ملیت‌ها و زبان‌های مختلفی دارند - غلبه و آنها را جذب کنند. این کار، متکی بر مضمونی از سرسپاری^۲ قومی و فرهنگی است؛ نه پذیرش آگاهانه یا سنجیده افراد (کاربُیو، ۲۰۰۷، ص ۵، ۸-۱۰ و ۱۳)؛

- در دارودسته‌های طبقات فرودست، نوجوانان خود را مجبور به پای‌بند ماندن به فرهنگ خودی می‌بینند. لذا، کجروی‌هاشان در جهت دستیابی به اهداف ارزشمند آن فرهنگ و در شکل پای‌بندی به سنت‌ها و اعمالی است که آن فرهنگ برای دستیابی به اهداف مناسب می‌داند (رایت‌زمن، ۱۹۹۸، ص ۱۰۷؛ به نقل از میلر، ۱۹۵۸)؛

- اعضای دو پاره‌فرهنگ فردگرا و کل‌گرا، داورهای متفاوتی درباره معیارهای باورپذیری^۳ پیام‌ها و چگونگی ارزیابی آنها توسط افراد دارند که حاصل تأثیر آن پاره‌فرهنگ‌ها بر فهم و ذهن ایشان است (میچل و دیگران، ۲۰۰۷، ص ۵۷۳)؛

- هویت‌های پاره‌فرهنگی در درون شرایط مادی و اجتماعی پاره‌فرهنگ‌ها شکل می‌گیرند (بلاکمن، ۲۰۱۴، ص ۷۱۰)؛

- کجروی هنگامی اتفاق می‌افتد که نوعی حمایت اجتماعی از آن وجود داشته باشد (قادری و محسنی، ۱۳۸۹، ص ۵۲، به نقل از این‌سورث و داوینی، ۱۹۹۸)؛

- دلبستگی و تمایل معتادان به مواد مخدر، به شدت، تحت تأثیر پیوند و احساس یگانگی آنان با پاره‌فرهنگ خودی است (قادری و محسنی، ۱۳۸۹، ص ۳۸، به نقل از جانسون، ۱۹۸۹، ص ۱۲۵)؛

- حس محرومیت پایگاهی و انتظار ناکامی در پسران طبقه کارگر، زمینه پیوستن آنها به دارودسته‌ها و واکنش وارونه^۴ جمعی به اهداف و ارزش‌های جامعه طبقه متوسط امریکاست (گِلستروپ، ۲۰۰۶، ص ۶۱۳-۶۱۴؛ به نقل از کوهن، ۱۹۵۵)؛

1. pagans

2. allegiance

3. credulity

4. reaction formation

- نیاز به پذیرش جمعی و حرمت و منزلت اجتماعی، نوجوان را وامی‌دارد تا راه‌حل‌ها را در قالب کنش جمعی و پیوستن به دارودسته‌ها برگزیند و سپس، برای جلب حمایت و توجه جمع و با انگیزه ارتقا و کسب منزلت بالاتر، کجروی می‌کند (کوهن، ۱۹۶۸، ص ۱۵۲؛ بودون و بوریکا، ۱۳۷۷، ص ۳۴؛ به نقل از وایت، ۱۹۵۵)؛

- پاره‌فرهنگ‌های کجرو، انواعی از فرصت‌های افتراقی و پاداش‌ها و منزلت‌های اجتماعی را برای آموختن و جامعه عمل پوشاندن به نقش‌های کجروانه برای اعضا فراهم می‌آورند و با نوعی واکنش برچسب‌زنی، پای‌بندی آنان را به خود تقویت می‌کنند (کوهن، ۱۹۶۸، ص ۱۵۲؛ بودون و بوریکا، ۱۳۷۷، ص ۳۵)؛

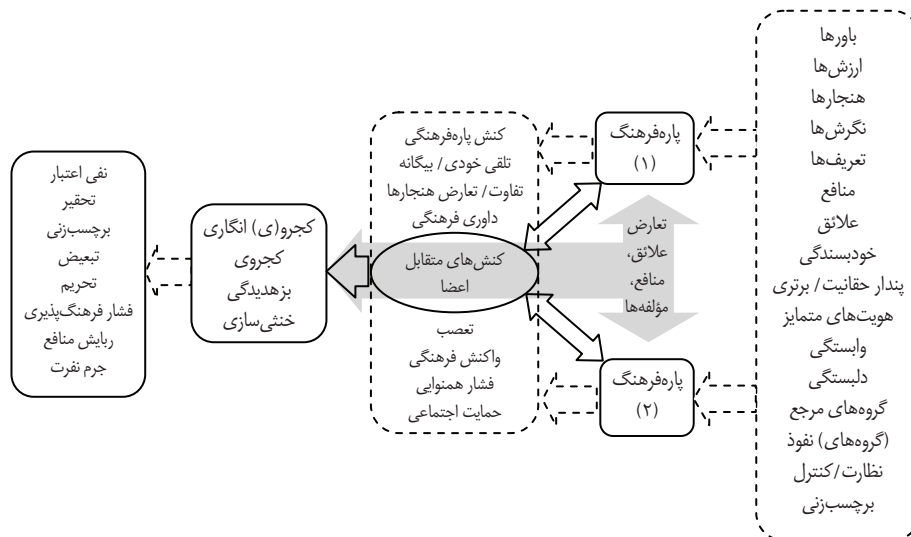
- ارجحیت‌های منزلتی، سلسله مراتب اقتدار، رابطه قیمومتی بین اعضا و ضرورت رعایت قیم در کنش‌های دارودسته‌های نوجوانان، مؤثر و زمینه ایجاد سرمایه تبهکاری در آنهاست (رفیع‌پور، ۱۳۷۸، ص ۵۵-۵۷؛ به نقل از مک‌کارتی و هگن، ۱۹۹۵؛ ماتسودا و همکاران، ۱۹۹۲).

۴. دیدگاه قرآن

در ادامه، دیدگاه قرآن در قالب گزاره‌هایی ارائه می‌شود که محتوایشان، برداشت‌های متکی بر آرای تفسیری معتبر از آیات قرآن است^۱، و پیش از هر چیز، در پرتو مبانی فراتجربی آموزه‌های اسلامی، که وجه تمیز آرای منسوب به این دین از سنت‌های متعارف در علوم اجتماعی‌اند، فهم می‌شوند.^۲

۱. براساس پیشنهاد برگ (۲۰۰۱، ص ۲۴۲-۲۴۳)، در ازای استناد هر مضمون پاره‌فرهنگی، سه گزاره شاهد بیان شده است. به نظر برگ، ارائه دست‌کم سه گزیده تفصیلی از گزاره‌ها (یا پیام‌ها)ی مرتبط - به‌عنوان شواهد مستقل برای هر تفسیر - یک قاعده تجربی اطمینان‌آور برای رمزگشایی از معانی پنهان متن و مستندسازی تفسیر آنهاست. همچنین به سبب محدودیت مقاله و چون منابع تفسیری مورد مراجعه بیشتر معرفی شده‌اند، از بیان نشانی منابع گزاره‌های شاهد خودداری شده است.

۲. از جمله این مبانی، وجود ارزش‌های واقعی فطری و نفس‌الامری است. بدین شکل، برخلاف رویکردهای پاره‌فرهنگی موجود، که نسبی‌گرایی را مبنای پذیرش نظام‌های متعدد ارزشی و هنجاری می‌دانند، آموزه‌های اسلامی تفاوت‌های ارزشی و هنجاری در پاره‌فرهنگ‌ها را نوعی اختلاف در مصداق‌ها و ناشی از تراحم ملاک‌های واقعی در آنها می‌دانند و هم‌زمان می‌پذیرند که ارزش‌های متغیری وجود دارند که، بسته به نوع، شرایط و نوع و چگونگی پیوندشان با ارزش‌های واقعی، تغییر می‌کنند و می‌توانند در تعارض یا تراحم با یکدیگر باشند (ر.ک: فتحعلی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۹۳، ۱۹۸-۱۹۹ و ۲۰۱).



این گزاره‌ها، از یک‌سو، وجود عناصر پاره‌فرهنگی و جامع زیر را در تحلیل قرآن نشان می‌دهند: وجود پاره‌فرهنگ‌ها در جامعه و تعدد آنها، وجود مؤلفه‌های خاص در پاره‌فرهنگ‌ها و ویژگی‌ها و سازوکارهای اثرگذاری آنها، تفاوت‌ها و تعارض‌ها و همچنین مناسبات بین پاره‌فرهنگ‌ها و داوری‌ها و کنش‌ها و واکنش‌های آنها و اعضایشان نسبت به یکدیگر و ویژگی‌های این داوری‌ها، کنش‌ها و واکنش‌ها.

همچنین، این عناصر را در قالب الگوی بالا به هم پیوند می‌زنند و بدین شکل، تبیین پاره‌فرهنگی قرآن را درباره کجروی و بزه‌دیدگی، شکل می‌دهند. صفحات آتی به توضیح این گزاره‌ها می‌پردازد:

۴-۱. وجود پاره‌فرهنگ‌های متفاوت در جامعه

مؤلفه نخست در تحلیل پاره‌فرهنگی قرآن، اشاره به وجود قطعه‌های متفاوت اجتماعی و فرهنگی در جامعه است. گزاره‌های شاهد زیر به وجود این قطعه‌ها و تفاوت‌های آنها و ویژگی‌هایشان اشاره دارند. و زیستن در این قطعه‌ها را سنتی الهی و مؤثر در حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها می‌دانند:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۱	هود، ۱۱۸	و اگر ... می‌خواست، قطعاً همه مردم را یک امت قرار می‌داد؛ حال آنکه پیوسته در اختلاف‌اند.	دسته‌بندی‌های دینی، قومی و... و اختلافات آنها سنتی الهی و در راستای اقتضای حیات فردی و اجتماعی انسان‌هاست.
۲	مائده، ۴۸	برای هر یک از شما [امت‌ها] شریعت و راه روشنی قرار دادیم و اگر ... می‌خواست شما را یک امت قرار می‌داد. اما [نکرد] تا شما را در آنچه عطايتان کرده بیازماید ...	وجود امت‌های مختلف و تفاوت شرایع و آداب و سنن در امت‌ها برحسب شرایط، استعدادها و مصالح فردی و جمعی آنها، یک سنت و آزمون الهی و در راستای اقتضای حیات فردی و اجتماعی انسان‌هاست.
۳	حجرات، ۱۳	ای مردم، ما شما را ... ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم؛ تا یکدیگر را بشناسید ...	حیات اجتماعی قطعه‌ای در بین انسان‌ها زمینه برقراری پیوندها و تعامل‌ها، برآمدن نیازها و تکامل آنهاست.

همچنین برخی آیات از شکل‌گیری پاره‌فرهنگ‌ها تحت تأثیر تعاملات انسان‌ها و عوامل مؤثر بر آنها گفته‌اند که در این مختصر، مجال شرح آنها نیست (مثلاً، مؤمنون، ۵۲-۵۳؛ انبیا، ۹۲-۹۳؛ زخرف، ۶۳-۶۵؛ روم، ۳۱-۳۲؛ قصص، ۴؛ توبه، ۱۰۷؛ نمل، ۴۸). شماری هم به انواعی از پاره‌فرهنگ‌ها، روابطشان و اثر ویژگی‌های آنها بر این روابط و روابط اعضای آنها پرداخته‌اند. درونمایه این آیات، عمدتاً روابط اقشار فرادست و فرودست، به‌ویژه، برخوردهای برخورداران با پیامبران (ﷺ) و پیروان آنهاست که در مراحل ابتدایی نهضت‌های ایشان، به‌عنوان قشرهای اقلیت، مخالف و نابرخوردار شناخته می‌شدند (مثلاً، اعراف، ۸۸، ۹۰؛ هود، ۲۷، ۲۹، ۹۱؛ قصص، ۵۷؛ سبأ، ۳۱-۳۳؛ انفال، ۲۶؛ بروج، ۴-۸). نمونه شایان توجه این موارد، قبطیان و بنی‌اسرائیل و روابط آنها به‌عنوان دو قشر فرادست و فرودست در سرزمین مصر است (مثلاً، اعراف، ۱۲۷؛ یونس، ۸۳؛ مؤمنون، ۴۷؛ قصص، ۴).

برخی آیات نیز از پیروان ادیان و گروه‌های دینی با تعبیر فریق یاد کرده‌اند (مثلاً، نمل، ۴۵؛ انعام، ۸۱، ۱۵۹؛ مریم، ۷۳؛ هود، ۲۴) که به یک جمع، به اعتبار جدا شدن آن از جمعی بزرگ‌تر یا جامعه، اطلاق می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹، ص ۷۳). آیات متعددی نیز از روابط این‌گونه جمع‌ها گفته‌اند: مثلاً، روابط مشرکان، مسیحیان و یهودیان مدینه با هم و با مسلمانان (مثلاً، آل‌عمران، ۷۵؛ مائده، ۷۸-۸۴؛ انعام، ۸۲-۸۴. نیز ر.ش: سلیمی، ۱۳۸۹، ص ۲۳-۲۶)، روابط منافقان با آنها (محسنی تبریزی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۲۷، ۱۳۱ و ۱۳۶-۱۳۸) و گروه‌های متفاوت منافقان و تفاوت برخوردهای آنها با مسلمانان (مثلاً، نساء، ۸۹-۹۱؛ توبه، ۹۷، ۱۰۱).

۴-۲. ویژگی‌های پاره‌فرهنگ‌ها

۴-۲-۱. خودبستگی

مؤلفه دوم در تحلیل پاره‌فرهنگی قرآن، توجه به استقلال و تمایز پاره‌فرهنگ‌هاست. در این خصوص، گزاره‌های شاهد زیر از وجود نوعی باور یا حس خودبستگی و استقلال می‌گویند که

اعضای پاره‌فرهنگ‌ها نسبت به میراث و مؤلفه‌های فرهنگی خودی دارند. و اینکه این باور یا احساس، مبنای تعامل آنها با پاره‌فرهنگ‌های دیگر است. دو گزاره آخر، وجود این ویژگی را در برخورد پاره‌فرهنگ‌های کافران، مشرکان و یهودیان با مسلمانان نشان می‌دهند (همچنین بقره، ۹۱، ۱۷۰؛ انعام، ۱۰۸؛ روم، ۳۱-۳۲؛ لقمان، ۲۱؛ زخرف، ۲۲-۲۳. نیز ر.ش: سلیمی، ۱۳۸۹، ص ۲۵-۲۶ و ۳۱-۳۳).

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۴	مؤمنون، ۵۳	پس، کارشان را بین خود گسستند و قطعه قطعه و پاره پاره شدند و هر دسته به آنچه نزد آنهاست، سرخوش‌اند.	امت‌ها در پی تفاوت باورها، ارزش‌ها و هنجارهای [دینی]شان به قطعه‌های مجزا و معارض تقسیم شدند. [زیرا] هر دسته، داشته‌هایشان را بر حق و غیر آن را ناحق می‌دانند و بدان‌ها سرخوش‌اند.
۵	مائده، ۱۰۴	و چون به آنان گویند به سوی آنچه خداوند فرو فرستاده است و به سوی پیامبر [ش] آید، گویند آنچه پدرانمان را بر آن یافته‌ایم ما را بس است.	کافران هنگام مواجهه با دعوت به تعالیم الهی، باورها، ارزش‌ها، عادت‌ها و رسوم نیاکان را برای خود کافی می‌شمردند.
۶	هود، ۱۰۹	... درباره آنچه آنان [مشرکان] می‌پرستند در تردید مباش. آنان جز آن‌گونه که پدرانشان پیشتر عبادت می‌کردند، عبادت نمی‌کنند ...	مشرکان در کار انتخاب و پرستش معبودهای خود، صرفاً براساس مشاهدات و آموخته‌های خود از گذشتگان‌شان، عمل می‌کردند.

۲-۲-۴. مؤلفه‌های اختصاصی

استقلال و تمایز پاره‌فرهنگ‌ها همچنین در گزاره‌های شاهد زیر دیده می‌شود که نشان می‌دهند هر پاره‌فرهنگ، باورها، ارزش‌ها، هنجارها، سنت‌ها، منافع، علائق، انتظارات، تعریف‌ها، الگوهای کنش، مناسک و نمادهای فرهنگی خود را دارد (نیز قصص، ۵۵؛ انبیا، ۵۲-۵۳؛ شعرا، ۷۰-۷۴؛ لقمان، ۲۱؛ مائده، ۱۰۴؛ یونس، ۴۱؛ هود، ۱۰۹؛ زخرف، ۲۲-۲۳).

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۷	حج، ۶۷	برای هر امتی، راه و روشی برای عبادت قرار دادیم که آنها بر آن سلوک می‌کنند. پس نباید در این کار با تو ستیزه کنند ...	هر اجتماع و بیرون هر آیین، راه و روش خاص خود را برای عبادت دارند و بدان پای‌بندند. و اختلاف روش‌ها، نمی‌تواند دستاویز یک گروه برای نفی روش‌های گروه(های) دیگر باشد.
۸	کافرون، ۶-۱	بگو ای کافران * آنچه را می‌پرستید، پرستم * و شما پرستنده آنچه می‌پرستم نیستید * ... * دین شما برای خود شما و دین من برای خود من است.	مشرکان قریش از پیامبر ﷺ خواستند که برای رفع اختلاف‌ها، هر دو طرف نشان دهند از آیین‌های یکدیگر پیروی می‌کنند. پاسخ آن بود که باورها و آیین‌های هر یک، خاص خود اوست و هیچ‌یک، هیچ‌گاه پیرو آیین دیگری نمی‌شود.
۹	بقره، ۱۴۵	اهل کتاب را هر نشانه و حجتی بیاوری، از قبله‌ات پیروی نکنند. و تو نیز پیرو قبله آنها نیستی. و آنها هم هیچ‌یک پیرو قبله یکدیگر نیستند ...	هیچ‌یک از بیرون ادیان مختلف، با استدلال‌های -هرچند محکم- پیامبر ﷺ [و بیرون ادیان دیگر]، از قبله [و مؤلفه‌ها و نمادهای فرهنگی دیگر خود] دست نخواهند کشید.

۴-۲-۳. هویت‌های متمایز

سومین شاخصه تمایز و استقلال پاره‌فرهنگ‌ها نقشی است که آنها در شکل‌گیری ویژگی‌ها، روحیه‌ها، شخصیت‌ها و هویت‌های فردی و جمعی خاص در درون خود دارند. این نکته را گزاره‌های زیر نشان می‌دهند (نیز توبه، ۹۷، ۱۰۱؛ زخرف، ۲۹-۳۰؛ هود، ۱۱۶. همچنین سلیمی، ۱۳۹۳، ص ۴۶-۴۷).

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۱۰	فرقان، ۱۸	... آنها و پدرانشان را برخوردار کردی تا آنجا که ذکر را از یاد بردند و گروهی هلاک شده بودند.	برخورداری نسلی، عامل فریفتگی بدان، خودپنداره برتری، حقانیت و صلاحیت و فرو رفتن در شهوت و گناه بود.
۱۱	نساء، ۲۵	... کنیزان مؤمن شما ... چون به احسان در آمدند، اگر زشتی‌ای کردند ... بر آنها نیمی از مجازات زنان آزاد است ...	ویژگی‌های نوعی کنیزان در نتیجه بی‌قدرتی / فرودستی عبارت بودند از: در اختیار دیگران بودن (نداشتن توان تصمیم‌گیری / آزادی عمل)، در معرض بهره‌کشی (جنسی) بودن، سازگاری (فردی / جمعی) با این وضع و، در نتیجه، ضعف حساسیت به کجروی (جنسی) و شکنندگی (در برابر آن).
۱۲	مائده، ۸۲	مسئلاً یهود و آنها که شرک می‌ورزند را دشمن‌ترین مردم برای مؤمنان و آنها که گویند همانا ما نصاراییم را نزدیک‌ترین آنها در دوستی با ایشان می‌یابی. این از آن روست که بین آنها، کشیشان و راهبانی هستند. و اینکه آنها کبر نمی‌ورزند.	حضور سه عنصر زیر در برخی اجتماعات مسیحی صدر اسلام، زمینه اقبال اعضا به اسلام و دوستی با مسلمانان و نبودشان در قبایل یهودی و مشرک، عامل تکبر اعضای آنها در برابر اسلام و کنش‌های خصمانه‌شان با مسلمانان بود: رهبران دینی دانشمند، زاهدان بی‌اعتنا به مادیات و حق‌پذیری و متکبر نبودن آنها.

۴-۳. کنش پاره‌فرهنگی

مؤلفه سوم در تحلیل پاره‌فرهنگی قرآن، ترسیم کجروی در چهره پای‌بندی اعضای پاره‌فرهنگ‌ها به مؤلفه‌های خودی است. در این راستا، گزاره‌های شاهد زیر توجه می‌دهند که نگرش‌ها و کنش‌های اعضای پاره‌فرهنگ‌ها متأثر از این مؤلفه‌ها و نوعی پای‌بندی به آنها هستند (نیز اعراف، ۱۲۶؛ انعام، ۱۳۷؛ بروج، ۸؛ ص، ۶؛ نحل، ۵۸-۵۹).

گزاره پیشین	آیه	برداشت مرتبط
۶	هود، ۱۰۹	مشرکان در کار انتخاب و پرستش معبودهایی که داشتند، صرفاً براساس مشاهدات و آموخته‌های خود از گذشتگان، عمل می‌کردند.

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۱۳	اعراف، ۲۸	و چون کار زشتی کنند گویند: پدرانمان را بر آن یافتیم و خدا ما را بدان فرمان داده است ...	مشرکان، اعمال ناروایشان را پیروی از سنت‌های پدری می‌دیدند. و این سنت‌ها را برگرفته از آموزه‌های الهی می‌دانستند.
۱۴	صافات، ۶۹-۷۰	همانا آنان با حال گمراهی پدرانشان انس گرفته‌اند * و شتابان و بی‌اختیار در پی ایشان می‌روند.	اعضای قیایل [مشرک] آن‌چنان با [باورها، ارزش‌ها و آداب و رسوم] پیشینیان خود، انس می‌گرفتند که بی‌اختیار و بدون فکر و تأمل از آنها پیروی و تقلید می‌کردند.

گزاره‌های زیر نیز از تأثیری می‌گویند که پاره‌فرهنگ‌ها در ایجاد نگرش‌ها و کنش‌های مخالف با ارزش‌های انسانی یا زیان‌آفرین برای انسان‌ها و پاره‌فرهنگ‌های دیگر یا دور کردن اعضای خود از آنها دارند (نیز مؤمنون، ۴۷؛ ص، ۶؛ نحل، ۵۸-۵۹. همچنین ر.ک: سلیمی، ۱۳۸۹، ص ۲۴-۲۶؛ سلیمانی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۵-۱۲۶).

گزاره پیشین	آیه	برداشت مرتبط	
۱۲	مائده، ۸۲	حضور سه عنصر زیر در برخی اجتماعات مسیحی صدر اسلام، زمینه اقبال آنها به اسلام و دوستی با مسلمانان و نبودشان در قیایل یهودی و مشرک، عامل تکبر آنان در برابر اسلام و کنش‌های خصمانه‌شان با مسلمانان بود: رهبران دینی دانشمند، زاهدان بی‌اعتنا به مادیات و حق‌پذیری و متکبر نبودن آنان.	
ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۱۵	آل عمران، ۷۵	و از اهل کتاب، کسی هست که گر بر مال زیاد امین داریش ... بازگرداند و ... کسی هست که گر بر دیناری امینش داری ... بازگرداند ... این از آن‌روست که آنها گویند: در کار اتی‌ها بر ما راهی (سرزنشی) نیست.	برخی یهودیان، برخلاف برخی دیگر، تحت تأثیر و به بهانه برتری و برگزیدگی یهود، پیروان سایر ادیان -به‌ویژه مسلمانان- را «اتی» (بی‌بهره از فرهیختگی [دینی]) می‌شمردند و حقوق (مالی) آنها را رعایت نکرده و آن را روا می‌شمردند. ^۱
۱۶	انعام، ۱۳۷	و این‌گونه برای بسیاری از مشرکان، شریکانشان، کشتن فرزندانشان را آراستند ...	مشرکان عرب، تحت تأثیر عواملی از جمله علاقه‌شان به بت‌ها یا القانات خدمه بت‌کده‌ها، کشتن فرزندان خود و قربانی کردن آنها برای بت‌ها را پسندیده و درست می‌شمردند.

۴-۴. تفاوت‌ها / تعارض‌های پاره‌فرهنگ‌ها

چهارمین مؤلفه تحلیل قرآن، تعارض‌های پاره‌فرهنگ‌هاست.^۲ شواهد زیر، این مؤلفه را با بیان دو نکته توضیح می‌دهند: اینکه یک پاره‌فرهنگ، پاره‌فرهنگ دیگر یا مؤلفه‌های آن را تهدیدی برای مؤلفه‌ها یا

۱. غالب مفسران در تحلیل این آیه، احتمال دیگری را هم -که در اینجا قابل استناد است- پذیرفته می‌دانند و آن اینکه گروه اول، مسیحی و دومی، یهودی‌اند که، تحت تأثیر آموزه برتری یهود، این‌گونه عمل می‌کنند.
 ۲. در این زمینه، مفسران همچنین تأکید دارند که قرآن، تعارض منافع و علائق واحدهای اجتماعی را یکی از ارکان زندگی و نظام اجتماعی، لازمه اساسی بقا و تکامل آنها می‌داند (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳-۲۹۵؛ مکارم و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۴۷-۲۴۹؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۳۹۱-۳۹۲. نیز سلیمی، ۱۳۹۳، ص ۴۷).

وجهه خود می‌بیند؛ و اینکه عناصری چون پندار حقانیت و تعارض منافع و علائق، زمینه شکل‌گیری این نگاه هستند (نیز آل‌عمران، ۱۱۸-۱۲۰، ۱۵۴؛ مائده، ۸۲؛ محمد، ۲۰، ۲۸؛ نور، ۵۰).

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۱۷	نمل، ۴۵	و همانا به سوی ثمود برادرشان صالح را فرستادیم که خدا را بپرستید. پس، در این زمان، آنان دو دسته شدند که با هم دشمنی می‌کردند.	دعوت صالح (علیه السلام) در میان قوم خود - ثمود - آنان را به دو دسته موافق مؤمن و مخالف کافر تقسیم کرد. هر دسته، خود را بر حق می‌دانستند و از این‌رو، با یکدیگر دشمنی می‌کردند.
۱۸	بقره، ۷۶	... چون ... با یکدیگر خلوت کنند، گویند: آیا از آنچه خدا بر شما گشوده با ایشان می‌گویید تا با آن، نزد پروردگارتان با شما احتجاج کنند؟...	برخی قبایل یهودی مدینه و رهبران و کاهنان آنها، مطلع شدن مسلمانان از اسرار آیینی‌شان را با منافع و هویت جمعی خود، متعارض می‌دیدند؛ و فاش‌کنندگان اسرار را سرزنش می‌کردند.
۱۹	توبه، ۸۱	تخلّف جوانان [از غزوه تبوک] از مخالفت با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خوشحال بودند و خوش نداشتند با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد کنند ...	گروه‌های منافق، مسلمانان را بیگانه و باورها، ارزش‌ها و هنجارهایشان را متعارض با منافع و علائق خود می‌دیدند. پس آنها را ناخوش می‌داشتند. و از زیر پا نهادنشان شاد می‌شدند.

۴-۵. داوری‌های پاره‌فرهنگ‌ها

پنجمین مؤلفه، داوری‌هایی است که اعضای پاره‌فرهنگ‌ها نسبت به پاره‌فرهنگ خودی و مؤلفه‌های آن و همچنین پاره‌فرهنگ‌های دیگر، مؤلفه‌ها و اعضای آنها و نگرش‌ها و کنش‌های آنان دارند و آنها را در کنش متقابل با هم به کار می‌گیرند. این مؤلفه در تحلیل پاره‌فرهنگی قرآن از کجروی و بزه‌دیدگی، دو کاربرد دارد:

۱. شالوده تعریف کجروی است. به بیان دیگر، زمینه شکل‌گیری تعریف‌هایی است که در پاره‌فرهنگ‌ها و اعضای آنها درباره راست‌رو(ی) یا کجرو(ی) بودن پاره‌فرهنگ‌های دیگر، اعضای آنها و نگرش‌ها و کنش‌هایشان پدید می‌آید؛

۲. داوری‌های افراد درباره مؤلفه‌های خودی در جمع با دو مؤلفه کنش پاره‌فرهنگی و تفاوت‌ها / تعارض‌های پاره‌فرهنگ‌ها، درونمایه تبیین کجروی است. بدین شکل که افراد - به‌عنوان اعضای پاره‌فرهنگ‌های مختلف - تحت تأثیر مؤلفه‌های خودی، با اعتقاد به درستی‌شان و در پای‌بندی به آنها، هنجارهای متعارض پاره‌فرهنگ‌های دیگر را نقض می‌کنند (و به تعبیر دقیق‌تر، کنش‌هایی را انجام می‌دهند که نقض آن هنجارها محسوب می‌شود).

در بیان این مؤلفه، گزاره‌های زیر تصریح دارند که برخی پاره‌فرهنگ‌ها، خود را بر حق و دیگران را ناحق می‌انگارند (نیز بقره، ۸۷؛ مائده، ۷۰؛ نمل، ۴۵-۴۷). در کنار این گزاره‌ها نیز بیش از ۱۲ آیه،

این مضمون را در خود دارند که اعمال امت‌ها و گروه‌های مختلف، در نظر ایشان آراسته است. و آنها را نیک و پسندیده می‌بینند (مثلاً، انعام، ۱۰۸، ۱۲۲ و ۱۳۷؛ نحل، ۶۳؛ نمل، ۴، ۲۴؛ فاطر، ۸).

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۲۰	بقره، ۱۱۱	و گفتند: هرگز به بهشت در نیاید، جز کسی که یهودی یا مسیحی است. این آرزوی واهی آنهاست ...	[برخی] پیروان آیین‌های یهودی و مسیحی، بر اساس پندارهای خود، معتقد / مدعی‌اند جز هم‌مسلمانان، کسی بهشت نمی‌رود و رستگار نمی‌شود.
۲۱	بقره، ۱۱۳	و یهودیان گفتند مسیحیان بر چیزی نیستند. و مسیحیان گفتند یهودیان بر چیزی نیستند ... آنان که نمی‌دانند نیز همانند سخن آنان را گفتند ...	[برخی] پیروان آیین‌های یهودی و مسیحی، معتقد / مدعی‌اند آیین طرف مقابل، پایه و اساس یا ارجح و اعتباری [نزد خدا] ندارد. مشرکان و منکران خدا نیز، از سر بی‌دانشی، شبیه همین نظر را درباره اسلام و دیگر ادیان الهی دارند.
۲۲	اعراف، ۱۳۱	و چون نیکی بدیشان می‌رسید، می‌گفتند: این فقط به خاطر ماست. و اگر بدی‌ای به آنان می‌رسید، به موسی <small>علیه السلام</small> و همراهانش، شگون بد می‌زدند ...	قوم فرعون، نزول برکات و نعمت‌ها را ناشی از شایستگی‌ها و نیز نوع سلوک خود می‌دیدند و موسی <small>علیه السلام</small> و پیروانش و آیین آنها را مسبب ناملازمات اقتصادی و اجتماعی می‌شمردند.

همچنین گزاره‌های شاهد زیر نشان می‌دهند که از نگاه قرآن، تعلق داشتن یک فرد، مؤلفه یا کنش به پاره‌فرهنگ خودی یا بیگانه زمینه آن می‌شود که اعضای پاره‌فرهنگ‌ها، آنها را خودی یا بیگانه و، در نتیجه، راست‌رو (ی) یا کج‌رو (ی) ببینند (نیز بقره، ۱۱۳؛ نساء، ۸۹؛ یونس، ۴۱، ۷۸؛ مؤمنون، ۲۴؛ قصص، ۳۶؛ اسراء، ۷۳؛ اعراف، ۲۸).

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۲۳	بقره، ۹۱	و چون بدانان گویند بدانچه خدا نازل کرده، ایمان آرید، گویند بدانچه بر خودمان نازل شده، ایمان آریم. و به غیر آن – با آنکه حق و مؤید همان است که با آنان است – کفر می‌ورزند ...	یهودیان مکه هنگام مواجهه با دعوت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> به تعالیم اسلامی اعلام می‌کردند صرفاً به باورها، ارزش‌ها، عادت‌ها و رسوم خودی پای‌بند می‌مانند و به آورده‌های ایشان – هرچند که موافق و مؤید داشته‌هایشان بود – کفر می‌ورزیدند.
۲۴	حج، ۶۷	برای هر امتی، راه و روشی برای عبادت قرار دادیم که آنها بر آن سلوک می‌کنند. پس نباید در این کار با تو ستیزه کنند ...	تفاوت برنامه‌ها و روش‌هایی که اجتماع‌ها و پیروان آیین‌های مختلف برای عبادت دارند و بدان پای‌بندند، دستاویز مشرکان برای نفی آیین گروه (های) غیرخودی – مسلمانان و ... – بود.
۲۵	بقره، ۱۲۰	و یهودیان و مسیحیان از تو راضی نخواهند شد، تا آنگاه که از آیین آنان، پیروی کنی ...	خداوند به پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> هشدار داد که یهودیان و مسیحیان، صرفاً آنگاه مواضع ایشان [یا مسلمانان] را همسو با خود می‌بینند که ایشان به آیین آنها در آیند و از مناسکشان پیروی کنند.

گزاره‌های زیر هم توجه می‌دهند که واگرایی یا تعارض مؤلفه‌های یک پاره‌فرهنگ با یک نگرش یا کنش سبب می‌شود که اعضای پاره‌فرهنگ، آن نگرش یا کنش را کجروی و فرد یا گروه موافق یا مرتکب آن را کجرو ببینند (نیز هود، ۸۷؛ غافر، ۲۶؛ سبأ، ۴۳).

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۲۶	هود، ۶۲	گفتند: ... بین ما مایه امید بودی. آیا مَنعمان می‌کنی که آنچه را پدرانمان می‌پرستند، بپرستیم؟! ... درباره آنچه ما را بدان می‌خوانی، در تردیدی بدبینانه‌ایم.	سران قوم صالح <small>علیهم‌السلام</small> ، دعوت او و پیروانش به ترک سنت‌های اجدادی ایشان را مخدوش کننده اعتبار اجتماعی او و عامل تردید و بدبینی خود به آموزه‌هایش می‌شمردند.
۲۷	اعراف، ۱۲۷	و سران قوم فرعون گفتند آیا موسی و قومش را وا می‌نهی تا در سرزمین فساد کنند و [موسی] تو و خدایانت را رها کند؟ ...	قوم فرعون، آموزه‌ها و اعمال موسی <small>علیهم‌السلام</small> و پیروانش را زمینه ترک و تهدیدی برای باورها و ارزش‌هایشان می‌دیدند. پس، آنها را به فساد متهم و فرعون را به واکنش در برابرشان دعوت می‌کردند.
۲۸	فرقان، ۴۲	قطعاً نزدیک بود که ما را از خدایانمان گمراه سازد، اگر بر آنها پایداری نمی‌کردیم ...	مشرکان، سخنان پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</small> و آموزه‌های اسلام را زمینه‌ساز تزلزل مردم در باورها و ارزش‌های خودی و دور شدنشان از آنها می‌دیدند و آنها را گمراه‌کننده می‌خواندند.

۴-۶. فرهنگی بودن مؤلفه‌ها، داوری‌ها و واکنش‌ها

مؤلفه ششم در تحلیل پاره‌فرهنگی قرآن از کجروی و بزهدیدگی، این است که: باورها، ارزش‌ها، هنجارها، انتظارات، تعریف‌ها و الگوهای نگرشی و کنشی پاره‌فرهنگ‌ها، داوری‌هایی که اعضای آنها (بر اساس این مؤلفه‌ها) درباره پاره‌فرهنگ‌های دیگر، اعضای آنها و نگرش‌ها و کنش‌هایشان دارند و واکنش‌هایی که (بر اساس این مؤلفه‌ها و داوری‌ها) در برابر آنها نشان می‌دهند، از عواطف، پیش‌داوری‌ها، تعصبات گروهی، قومی، نژادی و دینی و نگرش‌های کلیشه‌ای اثر می‌پذیرند و لزوماً متکی بر واقعیت یا تحلیل علمی و عقلانی نیستند.^۱

شواهد زیر، باورها، ارزش‌ها، هنجارها، انتظارات، تعریف‌ها و الگوهای کنشی و نگرشی پاره فرهنگ‌ها را دارای این ویژگی می‌دانند (نیز یونس، ۳۶، ۶۶؛ انعام، ۱۱۹، ۱۴۸؛ زخرف، ۲۰؛ جاثیه، ۲۴؛ حج، ۷۱؛ نجم، ۲۳؛ قصص، ۵۰).

گزاره پیشین	آیه	برداشت مرتبط
۱۴	صافات، ۶۹-۷۰	اعضای قبایل [مشرک] آن‌چنان با [باورها، ارزش‌ها و آداب و رسوم] پیشینیان خود، انس می‌گرفتند که بی‌اختیار و بدون فکر و تأمل از آنها پیروی و تقلید می‌کردند.

۱. از این ویژگی که از تبیین‌های جامعه‌پذیری به تحلیل‌های پاره‌فرهنگی راه یافته است، با تعبیر فرهنگی بودن یاد می‌شود (ر.ک: سلیمی و داوری، ۱۳۸۷، ص ۱۴۸).

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۲۹	روم، ۲۹	... آنان که ستم کرده‌اند، از سر بی‌دانشی، از خواست‌ها و تمایلات خود پیروی نموده‌اند ...	مشركان در اعتقاد / پای‌بندی به باورها، ارزش‌ها و مناسک خود از خواست‌ها و تمایلاتشان پیروی می‌کنند. بی‌آنکه در این زمینه، آگاهی و دانشی داشته باشند.
۳۰	انعام، ۱۱۶	و اگر از بیشتر آنان که در [سر] زمین‌اند فرمان بری، از راه خدا گمراهت می‌کنند. [آنان] جز از گمان پیروی نمی‌کنند. آنها فقط حدس می‌زنند.	اعتقاد / پای‌بند بودن غالب مردمان [سرزمین مکه (کافران / مشركان)] به باورها، ارزش‌ها و مناسکشان صرفاً مبتنی بر پندار و حدس [به‌ویژه درباره حقایق آنها و پیشینیان خود] است.

در ادامه نیز سه شاهد ارائه شده در دو جدول اول، به فرهنگی بودن داوری‌های (اعضای) پاره‌فرهنگ‌ها اشاره دارند و گزاره‌های شاهد جدول سوم، واکنش‌های آنها را دارای این ویژگی و متأثر از عناصری چون عواطف و تعصبات دینی و طبقاتی می‌دانند.

گزاره پیشین	آیه	برداشت مرتبط
۲۰	بقره، ۱۱۱	[برخی] پیروان آیین‌های یهودی و مسیحی، بر اساس پندارهای خود، کسی جز هم‌مسلمانان را شایسته رستگاری نمی‌بینند.
۲۱	بقره، ۱۱۳	[برخی] پیروان آیین‌های یهودی و مسیحی بر آنند آیین‌های دیگر، پایه و اساس یا ارج و اعتباری [نزد خدا] ندارند. مشركان نیز، از سر بی‌دانشی، شبیه این نظر را درباره اسلام و دیگر ادیان الهی دارند.

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۳۱	هود، ۲۷	... گفتند ... نبینیم که جز ... فرومایگان ما ... کسی پیرویت کرده باشد و شما را دارای امتیازی بر خود نمی‌بینیم، بلکه دروغگویتان می‌دانیم.	قوم فرعون با دستاویز قرار دادن برتری خود و فرودستی و فقر مادی پیروان موسی <small>ﷺ</small> ، آموزه‌های دینی آنان را دروغ و ناروا و آنها را فرومایه، دروغگو و کجرو می‌شمردند.

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۳۲	انعام، ۱۰۸	و به آنها که [مشركان] به جای خدا می‌خوانند، دشنام ندهید که از سر دشمنی [و] بی‌دانشی به خدا دشنام می‌دهند. این‌گونه برای هر امتی، عملشان را [راسته‌ایم ...	قداست بت (پرستی) در نظر مشركان، سبب می‌شد که دشنام دادن برخی مؤمنان به بت‌ها، عواطف و تعصبشان را برانگیزد. پس، از سر دشمنی و جهل، در صدد دشنام به خدا – که برای مؤمنان مقدس است – بر می‌آمدند. با آنکه به او اعتقاد داشتند.
۳۳	قصص، ۵۰	پس، اگر اجابت نکردند، بدان که فقط از خواست‌های خود پیروی می‌کنند ...	پیروی [مشركان، یهودیان و مسیحیان مکه] از آرا و خواست‌هایشان [همانند برخورد قوم فرعون با آیین موسی <small>ﷺ</small>] عامل اصلی اجابت نکردن دعوت پیامبر <small>ﷺ</small> از سوی آنان بود.
۳۴	شعرا، ۱۱۱	گفتند: آیا به تو ایمان بیاوریم و حال آنکه فرومایگان از تو پیروی کرده‌اند؟	قوم نوح <small>ﷺ</small> با این بهانه که پیروان ایشان از قشرهای محروم جامعه‌اند، از ایمان آوردن به آیین او اجتناب می‌کردند.

۴-۷. اثرگذاری‌های پاره‌فرهنگ‌ها

تأثیر پاره‌فرهنگ‌ها بر نگرش‌ها و کنش‌های اعضا و سازوکارهای آن، هفتمین مؤلفه تحلیل قرآن است. این سازوکارها در آیات متعددی ذکر شده‌اند و چون از سنخ پاره‌فرهنگی نیستند، در کانون توجه تحقیق جا نمی‌گیرند. با این حال، تلفیقی بودن تحلیل را نشان می‌دهند. لذا در ادامه، بعضی از آنها فهرست شده‌اند.

۱. جامعه‌پذیری: گزاره‌های شاهدهی که پیشتر ذیل عنوان «کنش پاره‌فرهنگی» ذکر شدند، نقش این عامل را نیز در نگرش‌ها و کنش‌های اعضای پاره‌فرهنگ‌ها نشان می‌دهند؛
۲. باورها و عواطف جمعی: نقش این عامل را گزاره‌های زیر نشان می‌دهند:^۱

گزاره پیشین	آیه	برداشت مرتبط
۳۳	قصص، ۵۰	پیروی [مشرکان، یهودیان و مسیحیان مکه] از آرا و خواست‌های (جمعی) شان [همانند برخورد قوم فرعون با آیین موسی <small>عليه السلام</small>] عامل اصلی اجابت نکردن دعوت پیامبر <small>ص</small> از سوی آنان بود.

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۳۵	بقره، ۸۷	آیا هرگاه پیامبری چیزی ... آورد که خوش نداشتید، کبر ورزیدید؟ پس گروهی را دروغگو شمرد و گروهی را می‌کشید؟	مخالف بودن آموزه‌های پیامبران با آرا و خواست‌های (جمعی) قوم بنی‌اسرائیل، عامل واکنش‌های کجروانه این قوم در برابر آنان – کبر ورزیدن، دروغگو خواندن و کشتن – بوده است.
۳۶	مائده، ۷۰	هرگاه، پیامبری چیزی ... آورد که خوش نداشتند گروهی را دروغگو شمرد و گروهی را می‌کشیدند.	

۳. گروه‌های مرجع یا نفوذ: گزاره‌های زیر به نقش این گروه‌ها در جهت دادن به نگرش‌ها و کنش‌های اعضای پاره‌فرهنگ‌ها اشاره دارند (نیز آل‌عمران، ۷۲، ۷۳؛ مائده، ۴۱؛ منافقون، ۸. نیز سلیمی، ۱۳۹۳، ص ۳۸-۴۰):

گزاره پیشین	آیه	برداشت مرتبط
۱۲	مائده، ۸۲	وجود رهبران دینی دانشمند، زاهدان بی‌اعتنا به مادیات و حق‌پذیری و متکبر نبودن آنان در برخی گروه‌های مسیحی صدر اسلام، زمینه اقبال اعضای آنها به اسلام و دوستی با مسلمانان و نبودشان در قبایل یهودی و مشرک آن زمان، عامل تکبر اعضا در برابر اسلام و کنش‌های خصمانه‌شان با مسلمانان بود.
۱۸	بقره، ۷۶	رهبران و کاهنان برخی قبایل یهودی مدینه، مطلع شدن مسلمانان از اسرار آیینی‌شان را با منافع و هویت جمعی خود، متعارض می‌دیدند و فاش‌کنندگان اسرار را سرزنش می‌کردند.
۲۷	اعراف، ۱۲۷	سران قوم فرعون، آموزه‌ها و اعمال موسی <small>عليه السلام</small> و پیروانش را زمینه ترک و تهدیدی برای باورها و ارزش‌هایشان می‌دیدند. پس، آنها را به فساد متهم و فرعون را به واکنش در برابرشان دعوت می‌کردند.

۱. تعبیر «آرا و خواست‌های جمعی» در گزاره‌هایی که به‌عنوان شاهد مطرح شده‌اند، به سه تعبیر «أَهْوَاءَهُمْ»، «تَهْوَى أَنْفُسِكُمْ» و «تَهْوَى أَنْفُسَهُمْ» در سه آیه منبع برداشت، اشاره دارد. و بیش از ۲۴ مفسر متقدم و متأخر، آن را به این مضمون تفسیر کرده‌اند.

۴. فشار همنوایی: افزون بر گزاره پیش گفته ۱۸، دو گزاره زیر، بیانگر نقش این عامل در جهت دادن به کنش های اعضای پاره فرهنگ ها هستند:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۳۷	احزاب، ۱۸	خداوند کارشکنان شما و آنان را که به برادرانشان می گفتند نزد ما آید ... می شناسد.	ابزار منافقان برای جذب و همراه شدن خودی ها، روابط عاطفی، دعوت، فشار، بیان مزایای همراهی و زیان های ترک آن ... بود.
۳۸	اعراف، ۹۰	و سران قومش که کفر می ورزیدند، گفتند: اگر از شعیب پیروی کنید، در این صورت قطعاً زیانکارید.	سران کافر قوم شعیب، آن دسته از اعضای قوم خود را که احتمال داشت بدو ایمان آورند، با یادآوری پیامدهای زیانبار عملشان تهدید می کردند و آنان را از این کار باز می داشتند.

۵. پیوندهای عاطفی: نقشی را که پیوندهای عاطفی و وابستگی ها و دلبستگی های فردی و جمعی اعضای پاره فرهنگ ها در کنش های آنها دارند، گزاره های شاهد زیر نشان می دهند:

گزاره پیشین	آیه	برداشت مرتبط
۳۷	احزاب، ۱۸	منافقان برای جذب و همراه کردن خودی ها، از پیوندهای عاطفی خود با آنها بهره می گرفتند.

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۳۹	عنکبوت، ۳۹	و [ابراهیم] گفت: جز این نیست که برای دوستی [و پیوند] بین خود ... بت هایی را اختیار کرده اید ...	روابط عاطفی، یک عامل اساسی حفظ پیوندهای قومی مشرکان و پرستش بت ها زمینه ایجاد این روابط بوده است.
۴۰	فرقان، ۲۸-۲۷	روزی که آن ستمکار ... گوید: کاش با پیامبراهی بر می گرفتم * ... کاش فلانی را دوست نمی گرفتم.	فردی از مشرکان، پس از پذیرش اسلام، تحت تأثیر پیوند عاطفی با دوست مشرک خود، مرتد شد.

۶. حمایت اجتماعی در پاره فرهنگ های مختلف را گزاره های شاهد زیر نشان می دهند:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۴۱	صافات، ۲۵	شما را چه شده که یکدیگر را یاری نمی کنید؟!	گروه های کافر و مشرک، یکدیگر را در مقابله با اسلام، یاری می کردند. اما در آن جهان، چنین توانی ندارند.
۴۲	قمر، ۴۴	یا گویند: ما همه یاری کننده یکدیگر [و پیروزم].	گروه های کافر و مشرک مکه با تکیه بر یاری یکدیگر، خود را در مقابله با اسلام پیروز می دیدند.
۴۳	حشر، ۱۱	... آنها که نفاق ورزیدند ... به برادران کافرشان از اهل کتاب می گفتند اگر بیرونتان کردند ... با شما بیرون آیم ... و اگر با شما جنگیدند ... یاری تان کنیم ...	برخی از گروه های منافقان در مقابله با اسلام به هم پیمانان قبلی و یهودی خود، وعده یاری و حمایت می دادند.

۷. خودپنداره: شاهد‌های زیر نقش خودپنداره برتری یا حقانیت را در کنش‌های متقابل برخی پاره‌فرهنگ‌ها نشان می‌دهند:

گزاره‌پیشین	آیه	برداشت مرتبط
۱۵	آل عمران، ۷۵	برخی یهودیان، با پندار برگزیدگی و برتری یهود، حقوق (مالی) پیروان سایر ادیان را رعایت نمی‌کردند.

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۴۴	مؤمنون، ۴۶-۴۷	... فرعون و سران [قوم]ش ... کبر ورزیدند و قومی برتری‌جو بودند * گفتند آیا به دو بشر مانند خود ایمان آریم، حال آنکه قومشان بندگان مايند؟!	فرعون و سران قومش، با پندار فرادستی و برتری جایگاه اجتماعی خود بر موسی <small>عليه السلام</small> و قومش و دستاویز قرار دادن این برتری، از ایمان آوردن به آیین او کبر می‌ورزیدند.
۴۵	بقره، ۱۳	و چون بدانان گویند: ایمان آرید چنان که مردم ایمان آورده‌اند، گویند آیا مانند بی‌خردان ایمان آریم؟ ...	برخی منافقان، با پندار برتری در خردورزی یا منزلت اجتماعی، (ایمان آوردن) مردم عادی را بی‌خرد(انه) می‌شمردند.

۴-۸. تعامل‌های پاره‌فرهنگی

آخرین مؤلفه یافت شده در تحلیل قرآن، کنش‌های متقابل اعضای پاره‌فرهنگ‌ها و ویژگی‌ها و پیامدهای آنها در بستر روابط پاره‌فرهنگ‌هاست که اوصاف ذکر شده در صفحات پیش را در نگاه قرآن دارد. این کنش‌ها، ویژگی‌ها و پیامدها در ۴ گونه دسته‌بندی می‌شوند. و در گزاره‌های شاهدهی که ذیل هر گونه آمده‌اند، مورد توجه قرار گرفته‌اند:

۱. کجروی (ی) انگاری اعضای پاره‌فرهنگ‌ها و نگرش‌ها و کنش‌های آنها:

گزاره‌پیشین	آیه	برداشت مرتبط
۲۷	اعراف، ۱۲۷	قوم فرعون، آموزه‌ها و اعمال موسی <small>عليه السلام</small> و پیروانش را مخالف باورها و ارزش‌هایشان و آنها را فسادگر می‌دیدند.
۳۶	مائده، ۷۰	قوم بنی اسرائیل به سبب مخالفت آموزه‌های پیامبران با آرا و خواسته‌هایشان، آنها را دروغگو می‌خواندند.
۴۵	بقره، ۱۳	برخی منافقان، (ایمان آوردن) مردم عادی را بی‌خرد(انه) می‌شمردند.

۲. کجروی از هنجارهای پاره‌فرهنگ‌های دیگر با (پندار) همسویی با مؤلفه‌های خودی:

گزاره‌پیشین	آیه	برداشت مرتبط
۱۳	اعراف، ۲۸	مشرکان، زشتکاری‌هایشان را پیروی از سنت‌های پدری و آنها را برگرفته از آموزه‌های الهی می‌دانستند.
۱۵	آل عمران، ۷۵	برخی یهودیان، با پندار برگزیدگی و برتری یهود، رعایت نکردن حقوق پیروان ادیان دیگر را روا می‌دیدند.
۱۹	توبه، ۸۱	منافقان، ارزش‌ها و هنجارهای مسلمانان را مخالف منافع و علائق خود می‌دیدند و از تقض آنها شاد می‌شدند.

۳. بزهدیدگی اعضای یک پاره‌فرهنگ از کنش‌های اعضای پاره‌فرهنگ‌های دیگر:

گزاره پیشین	آیه	برداشت مرتبط
۱۵	آل عمران، ۷۵	برخی یهودیان، با پندار برگزیدگی و برتری یهود، حقوق (مالی) پیروان سایر ادیان را رعایت نمی‌کردند.
۳۶	مانده، ۷۰	قوم بنی اسرائیل به سبب مخالفت آموزه‌های پیامبران با آرا و خواسته‌هایشان، آنها را می‌کشتند.

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۴۶	حج، ۴۰	آنان که به ناروا از دیار خویش رانده شدند تنها بدین سبب که گفتند: پروردگار ما خدای یکتاست ...	مشرکان مکه، مسلمانان را، به جرم ایمان به خدا، آزار داده، از خانه‌هایشان اخراج و مجبور به هجرت به مدینه می‌کردند.

۴. خنثی‌سازی و توجیه کنش‌های کجروانه اعضای یک پاره‌فرهنگ (به‌ویژه، کنش‌های مرتبط با اعضای پاره‌فرهنگ‌های دیگر و منجر به بزهدیدگی آنها) با فنون خنثی‌سازی:

گزاره پیشین	آیه	برداشت مرتبط
۱۳	اعراف، ۲۸	مشرکان، زشتکاری‌هایشان را پیروی از سنت‌های پدری و آنها را برگرفته از آموزه‌های الهی می‌دانستند.
۱۵	آل عمران، ۷۵	برخی یهودیان، به بهانه برگزیدگی و برتری یهود، رعایت نکردن حقوق پیروان ادیان دیگر را روا می‌شمردند.
۴۴	مؤمنون، ۴۶-۴۷	فرعون و سران قومش، با دستاویز قرار دادن فرادستی و برتری جایگاه اجتماعی خود بر موسی (علیه السلام) و قومش، از ایمان آوردن به آیین او کبر می‌ورزیدند.

همچنین گونه‌های متعددی از کنش‌های کجروانه، که در پیوند پاره‌فرهنگ‌های مختلف و اعضای آنها با یکدیگر شکل می‌گیرند، در تحلیل قرآن مورد توجه هستند. از جمله:

۱. نفی اعتبار (اعضای) پاره‌فرهنگ‌های دیگر (نیز ر.ک: گزاره‌های ذیل عنوان «تفاوت‌ها / تعارض‌های پاره‌فرهنگ‌ها»):

گزاره پیشین	آیه	برداشت مرتبط
۲۰	بقره، ۱۱۱	[برخی] گروه‌های یهودی و مسیحی، افراد / گروه‌های غیر هم‌مسلك خود را شایسته رستگاری نمی‌بینند.
۲۱	بقره، ۱۱۳	مشرکان و [برخی] گروه‌های یهودی و مسیحی برآند آیین‌های دیگر، پایه و اساس یا ارج و اعتباری ندارند.
۲۴	حج، ۶۷	اختلاف روش‌های عبادی مشرکان با دیگران، دستاویز آنان برای نفی آیین گروه(های) غیرخودی بود.

۲. تحقیر / برجسب زدن به (اعضای) پاره‌فرهنگ‌های دیگر:

گزاره پیشین	آیه	برداشت مرتبط
۳۱	هود، ۲۷	قوم فرعون، با توسل به برتری خود و فقر مادی پیروان موسی (علیه السلام)، آنان را فرومایه و دروغگو می‌نامیدند.
۴۵	بقره، ۱۳	برخی منافقان، (ایمان آوردن) مردم عادی را بی‌خرد(انه) می‌شمردند.

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۴۷	مطفقین، ۳۲-۲۹	همانا آنها که جرم می‌کردند به آنها که ایمان آوردند ... * ... ریشخند می‌کردند * ... * ... می‌گفتند: اینان قطعاً گمراهانند.	مشركان قريش، مؤمنان را استهزا و تحقیر می‌کردند و آنان را گمراه می‌نامیدند.

۳. تبعیض / تحریم و زیر پا نهادن حقوق (اعضای) پاره‌فرهنگ‌های دیگر:

گزاره پیشین	آیه	برداشت مرتبط
۱۵	آل عمران، ۷۵	برخی یهودیان، به بهانه برگزیدگی و برتری یهود، حقوق (مالی) پیروان ادیان دیگر را ادا نمی‌کردند.

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۴۸	قصص، ۴	... فرعون در زمین، برتری جست و اهلیش را گروه گروه کرد. گروهی ... را به استضعاف می‌کشاند ...	فرعون، اقوام همسو را از امتیازات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برخوردار و اقوام دیگر -به‌ویژه مخالفان- را محروم می‌کرد.
۴۹	منافقون، ۸-۷	گویند: بدانان که نزد پیامبر خدایند، انفاق مکنید تا پراکنده شوند ... * ... اگر به مدینه بازگردیم، قطعاً عزتمندتر، زبون‌تر را ... بیرون می‌کند ...	سران منافقان می‌کوشیدند با منع حمایت اجتماعی از مسلمانان، موقعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنها را ضعیف و مانع حضور (مؤثر) شان در مناطق تحت نفوذ خود شوند.

۳. فشارهای فرهنگ‌پذیری، از جمله الزام به تغییر آیین (نیز نساء، ۸۹؛ اسراء، ۷۳؛ اعراف،

۹۰؛ قصص، ۵۷):

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۵۰	یونس، ۸۳	... کسی جز فرزندان از قوم موسی بدو ایمان نیاورد. از بیم آنکه فرعون و سرانشان آزارشان کنند ...	آزارهای فرعون و سران قوم قبط، سبب بیم گروه‌های فاقد قدرت بنی اسرائیل و مانع ایمان آوردن آنان بود.
۵۱	اعراف، ۸۸	سران قومش ... گفتند: ای شعیب! یقیناً تو و آنها را که با تو ایمان آورده‌اند، از شهرمان بیرون می‌کنیم یا آنکه، به قطع، به آیین‌مان بازگردید ...	سران قوم شعیب (علیه السلام) برای بازگرداندن او و پیروانش به آیین خود، آنان را به اخراج از شهر تهدید می‌کردند.
۵۲	نساء، ۹۸	مگر آن مردان، زنان و کودکان مستضعف که چاره‌جویی نتوانند و راهی نیابند.	اکثریت برخوردار کافر و مشرک مکه، مسلمانان را برای دست برداشتن از اسلام و همسو شدن با خود آماج فشارها و آزارهای شدید روانی، مالی و جسمی قرار می‌دادند.

۵. جرم نفرت (نیز انبیا، ۶۸؛ اعراف، ۱۲۶؛ نمل، ۵۶؛ حج، ۴۰):

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۵۳	بروج، ۸-۴	کشته باشند صاحبان آن گودال [آدم‌سوزی] * ... * ... * * ... * و بر آنها ایرادی نداشتند جز آنکه به خدا ... ایمان می‌آوردند.	سردمداران (و اکثریت حاکم در) جوامع کافر و مشرک، مؤمنان را صرفاً به جرم ایمانشان به خدا، در آتش می‌سوزانند.
۵۴	قصص، ۴	... فرعون ... گروهی ... را به استضعاف می‌کشاند. پسرانشان را سر می‌برید و زن‌هایشان را زنده می‌نهاد ...	قوم بنی اسرائیل (پیش از پیروزی موسی <small>علیه السلام</small>) آماج برخوردهای خشنی مانند بیگاری و بردگی، بهره‌کشی (جنسی)، قتل و نسل‌کشی بودند.
۵۵	انفال، ۲۶	و یاد آرید آنگاه را که ... در زمین، گروهی اندک و مستضعف بودید و می‌ترسیدید ... شما را برابند ...	اقلیت بی‌قدرت و بی‌حامي مسلمانان در مکه، آماج غارت‌ها و ربایش‌های گروه‌های قدرتمند مشرک بودند.

۵. بحث و بررسی

در باره این تحقیق، دو نکته شایان توجه است. نخست، یافته‌ها ناظر به مضمون‌های کلی تبیین‌ها و مطالعات پاره‌فرهنگی کجروی‌اند. از این‌رو، تمایزهایی را که ممکن است تحلیل قرآن با یافته‌های این حوزه داشته باشد، به روشنی، نشان نمی‌دهند. با این حال، لازم‌های گریزناپذیر و نیز نقطه قوتی برای این‌گونه تحقیقات - که همچنان در آغاز راهند - به شمار می‌آیند. چون نقطه شروع مناسبی برای کار هستند و مثلاً، با نشان دادن ابعاد رویکرد پاره‌فرهنگی در تحلیل قرآن، پاسخ‌های کلی آن را به پرسش‌های این حوزه، معلوم و مسیر را برای پژوهش‌های آتی، ترسیم می‌کنند. مضمون‌های برگزیده از مطالعات کجروی نیز پشتوانه علمی کافی دارند و ما را از تحلیل قرآن براساس یافته‌های غیرقطعی - که یکی از تهدیدهای تفسیر آن است - دور می‌کنند.

دوم، تحقیق در قلمرو علوم کاربردی قرار دارد و قاعدتاً باید براساس تبیین موضوع، راه‌های مدیریت و کنترل را نیز شناسایی و پیشنهاد کند. لذا، شناخت راهکارهای قرآنی کنترل کجروی و بزه‌دیدگی پاره‌فرهنگی، بخش تکمیلی این تحقیق است. در این زمینه، مطالعات نشان می‌دهند که در نظام کنترل اجتماعی اسلامی، راهکارها اصولاً براساس شناخت علل مؤثر بر کجروی و چگونگی تأثیر آنها، تدوین می‌شوند و گزاره‌های قرآنی نیز به گستره قابل توجهی از این راهکارها اشاره دارند. بدین شکل، این دسته راهکارهای قرآنی می‌توانند موضوع مقاله‌ای مستقل شوند. و این مقاله، مقدمه آن باشد.

۶. نتیجه و کاربرد

تحقیق پیش رو، بخشی از یک طرح پژوهشی است که بنا دارد نظریه متون مقدس اسلامی را در زمینه تبیین و کنترل کجروی ارائه کند و به سبب گستردگی این نظریه و فراوانی گزاره‌های دینی

مرتبط، کار را با شناسایی قطعه‌های مختلف آن پی گرفته است.^۱ این مقاله نیز قطعه‌ای از نظریه قرآنی کجروی را ترسیم کرده است.

یافته‌ها نشان می‌دهند که قرآن، پیوند پاره‌فرهنگ‌ها و کجروی و بزه‌دیدگی را با جامعیت و تفصیلی مناسب و به شکلی نظام‌مند، تحلیل کرده و ۴۳ عامل را از سطوح مختلف تحلیل و به شکل قابل قبولی، تلفیق نموده است. این تحلیل، شش محور کلی زیر را دربر دارد. و در قالب الگویی که نمودار آن در آغاز بحث ترسیم شد، قابل ارائه است:

۱. حضور پاره‌فرهنگ‌ها به‌عنوان نظام‌های متمایز ارزشی و هنجاری در جامعه؛
۲. وجود باورها، ارزش‌ها، هنجارها، انتظارات، تعریف‌ها، الگوهای نگرش و کنش، علائق و منافع و نگرش‌ها و هویت‌های فردی و جمعی متمایز - و گاه معارض - درون پاره‌فرهنگ‌ها؛
۳. کنش‌های متقابل اعضای پاره‌فرهنگ‌ها در همسویی با و پای‌بندی به مؤلفه‌های خودی و در بستر تعارض علائق، منافع و مؤلفه‌های پاره‌فرهنگی؛
۴. داوری‌ها و واکنش‌های پاره‌فرهنگ‌ها در بستر کنش‌های متقابل و نگرش‌ها و علائق و منافع متعارض؛

۵. کجرو(ی)‌انگاری، (انواعی از) کجروی و بزه‌دیدگی و توجیه (خنثی‌سازی) آنها در نتیجه این داوری‌ها و واکنش‌ها؛

۶. مداخله انواعی از میانجی‌های کلان، میانه و خرد در روابط بین مؤلفه‌های یاد شده. بدین شکل، این تحقیق نشان می‌دهد که قرآن، مؤلفه‌های پاره‌فرهنگی را در شکل‌گیری کجروی و بزه‌دیدگی مؤثر و توجه به آنها را در سیاست‌های کنترلی اسلامی، ضروری می‌داند. همچنین شناخت‌های تازه‌ای را دربر دارد (مثلاً، در کمترین سطح، مؤلفه‌های شناسایی شده را در قالبی خاص و بدیع، تلفیق می‌کند). این شناخت‌ها نشان می‌دهند که متون مقدس اسلامی منبع مناسبی برای مطالعات علوم اجتماعی هستند. در بهینه‌سازی فهم نظری این حوزه و بومی‌سازی آن، نقش قابل‌اعتنایی دارند و مراجعه به آنها بر اساس پرسش‌های این علوم، نوعی پژوهش در علوم اسلامی و اجتماعی محسوب می‌شود و زمینه‌ای برای گفتگوی آنهاست. معتبر بودن یافته‌ها نیز نشان می‌دهد که تحلیل محتوای کیفی می‌تواند ضوابط اسلامی تفسیر قرآن را رعایت و، به‌عنوان یک ضرورت پژوهشی بین‌رشته‌ای، روایی تحقیق را از نگاه هر دو حوزه تأمین کند.^۲

۱. نتایج تحقیقات انجام شده درباره این قطعه‌ها، در منابع زیر، ارائه شده‌اند: سلیمی، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۹، ۱۳۹۳؛ جمشیدیها و سلیمی، ۱۳۸۷؛ سلیمی و همکاران، ۱۳۸۸؛ محسنی تیریزی و همکاران، ۱۳۹۱.
 ۲. نکات مطرح شده در دو بخش اخیر، عمدتاً در مقاله پیشین نگارنده مورد توجه بوده‌اند (سلیمی، ۱۳۹۳، ص ۵۵-۵۷) و به سبب نقش کلیدی آنها در این‌گونه تحقیقات در اینجا تکرار شده‌اند.

منابع

* قرآن کریم.

۱. افروغ، عماد (۱۳۷۵)، «خرده‌فرهنگ‌ها و وفاق اجتماعی»، نقد و نظر، ش ۷ و ۸، ص ۱۵۷-۱۷۱.
۲. امین صارمی، نوذر (۱۳۷۷)، خرده‌فرهنگ و جرم (بررسی خرده‌فرهنگ‌های دستگیر شدگان منكراتی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
۳. بودون، ریمون و فرانسیس بوریکا (۱۳۷۷)، «جرم»، بصیرت، ترجمه علی سلیمی و محمدحسین پوریانی، ش ۱۵ و ۱۶، ص ۳۱-۳۸.
۴. بوریل، گیسون، گارت مورگان (۱۳۸۳)، نظریه‌های کلان جامعه‌شناختی و تجزیه و تحلیل سازمان، ترجمه محمدتقی نوروزی، تهران: سمت، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۵. جمشیدیها، غلامرضا و علی سلیمی (۱۳۸۷)، «پیشگیری از جرم در پیشینه تفکر اسلامی»، در محمد فرجیها و رحمت‌الله صدیق سروستانی (ویراستار)، پیشگیری از جرم با رویکرد جامعه‌شناختی (مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم)، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، ص ۴۱-۸۶.
۶. حلوانی، حسین بن محمد (۱۴۰۸)، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، چ ۱، قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام.
۷. دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن (۱۴۰۸)، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، چ ۱، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
۸. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی (۱۴۰۸)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۹. رجبی، محمود (۱۳۸۸)، «تفسیر موضوعی قرآن از منظر استاد محمدتقی مصباح»، دوفصلنامه قرآن‌شناخت، س ۲، ش ۲ (پیاپی ۴)، ص ۱۱۱-۱۴۶.
۱۰. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸)، آنومی یا آشفتگی اجتماعی: پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران، چ ۱، تهران: سروش.
۱۱. رنجبر، هادی و دیگران (۱۳۹۱)، «نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع»، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، س ۱۰، ش ۳، ص ۲۳۸-۲۵۰.

۱۲. سلیمانی، عبدالرحیم (۱۳۸۳)، «قوم یهود از برگزیدگی تا نژادپرستی»، هفت آسمان، ش ۲۲، ص ۱۱۳-۱۳۴.
۱۳. سلیمی، علی (۱۳۸۵)، «گزاره‌های دینی و طبیعت اجتماعی کجروی»، فصلنامه انجمن معارف اسلامی، س ۲، ش ۴، ص ۱۲۳-۱۶۰.
۱۴. _____ (۱۳۸۶)، «جستجوی درونمایه‌های یک نظریه اجتماعی کجروی بر اساس آموزه‌های قرآنی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت معلّم (ویژه‌نامه علوم اجتماعی ۳)، ش ۵۶-۵۷، ص ۱۲۹-۱۸۱.
۱۵. _____ (۱۳۸۹)، «درونمایه‌های یک نظریه ارتباطات میان‌فرهنگی در آموزه‌های قرآنی»، دوفصلنامه اسلام و علوم اجتماعی، س ۲، ش ۴، ص ۷-۳۸.
۱۶. _____ (۱۳۹۳)، «پیوندهای قدرت و کجروی: الگویی تلفیقی براساس آموزه‌های قرآنی»، دوفصلنامه اسلام و علوم اجتماعی، س ۶، ش ۱۲، ص ۲۷-۶۲.
۱۷. سلیمی، علی، محمود ابوترابی و محمد داوری (۱۳۸۸)، همنشینی و کجروی: نگاهی به دیدگاه‌های اسلامی و یافته‌های اجتماعی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان فرهنگی-اجتماعی شهرداری تهران.
۱۸. سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی کجروی، ویراست ۲، چ ۴، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۹. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۳۰، چ ۲، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
۲۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، چ ۵، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مقدمه محمدجواد بلاغی، ج ۱۰، چ ۳، تهران: ناصر خسرو.
۲۲. _____ (۱۳۷۷)، جوامع الجامع، مقدمه، تصحیح و تعلیق ابوالقاسم گرّجی، ج ۱، چ ۱، تهران: دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
۲۳. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (شیخ الطائفه) (۱۳۷۶ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، با مقدمه شیخ آغا بزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیرعاملی، ج ۱۰، چ ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. عباسی، جلال (۱۳۹۲)، بررسی انتقادی رویکردهای خرده‌فرهنگی کجروی براساس آیات و روایات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، قم: دانشگاه باقر العلوم علیه السلام.

۲۵. فتحعلی، محمود؛ مجتبی مصباح و حسن یوسفیان (۱۳۹۱)، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، زیر نظر آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته)، تهران: نشر مدرسه.
۲۶. فضل‌الله، سیدمحمدحسین (۱۴۱۹)، من وحی القرآن، ج ۲۴، چ ۲، بیروت: دارالملاک.
۲۷. فیض‌کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۶)، تفسیر الصافی، ج ۵، چ ۲، تهران: مکتبه الصدر.
۲۸. قادری، صلاح‌الدین و علیرضا محسنی‌تبریزی (۱۳۸۹)، «مطالعه‌ای کیفی در شناخت هنجارهای تسهیل‌کننده مصرف مواد اعتیادآور در میان خرده‌فرهنگ‌های قومی ایران»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ش ۴، ص ۳۷-۵۴.
۲۹. کاشانی، فتح‌الله (۱۳۳۶)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج ۳ و ۶، چ ۱، تهران: علمی.
۳۰. _____ (۱۴۲۳)، زبدة التفاسیر، تحقیق بنیاد معارف اسلامی، ج ۷، چ ۱، قم: بنیاد معارف اسلامی.
۳۱. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چ ۵، تهران: نشر نی.
۳۲. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (بی‌تا)، دانشنامه چندرسانه‌ای جامع تفاسیر نور (نورالانوار ۳)، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.^۱
۳۳. محسنی‌تبریزی، علیرضا و علی سلیمی (۱۳۹۱)، «تحلیل محتوای کیفی قیاسی و بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی در علوم اجتماعی»، روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۸ (۷۲)، ص ۱۳۵-۱۵۸.
۳۴. محسنی‌تبریزی، علیرضا؛ محمود رجبی و علی سلیمی (۱۳۹۱)، «تبیین اجتماعی نفاق: الگویی تلفیقی بر اساس آموزه‌های قرآنی»، دوفصلنامه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، س ۲، ش ۲، ص ۱۱۱-۱۵۱.
۳۵. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶)، معارف قرآن، چ ۴، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۳۶. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۳، چ ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۷. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۸)، تلخیص التمهید، ج ۲، چ ۸، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ج ۲۷، چ ۱، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۹. موسوی، میرطاهر (۱۳۸۴)، «تحلیل مشارکت اجتماعی در تهران (رویکرد خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز)»، رفاه اجتماعی، ش ۱۹، ص ۳۰۱-۳۲۷.
۴۰. وایت، رابرت و فیونا هینز (۱۳۹۰)، جرم و جرم‌شناسی: متن درسی نظریه‌های جرم و کجروی، ویراست ۲، ترجمه علی سلیمی، چ ۴، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱. منابع تفسیری تحقیق، به کمک این نرم‌افزار، مورد استفاده بوده‌اند.

41. Berg, Bruce L. (2001), *QUALITATIVE RESEARCH METHODS FOR THE SOCIAL SCIENCES*. Boston: Allyn & Bacon.
42. Blackman, Shane (2014), 'Subculture'. in Craig J. Forsyth & Heith Copes (eds). *ENCYCLOPEDIA OF SOCIAL DEVIANCE*. Thousand Oaks, Calif: Sage Publications. pp. 707-711.
43. Charbonneau, Marisol (2007), 'The Melting Cauldron: Ethnicity, Diversity, and Identity in a Contemporary Pagan Subculture'. *POMEGRANATE (9-1)*. pp. 5-21.
44. Cho, Ji Young, Eun-Hee Lee (2014), 'Reducing Confusion about Grounded Theory and Qualitative Content Analysis: Similarities and Differences'. *THE QUALITATIVE REPORT (19-64)*. pp. 1-20.
45. Cohen, Albert K. (1968), [1972]. 'Deviant Behavior'. In David L. Sills (ed). *INTERNATIONAL ENCYCLOPEDIA OF SOCIAL SCIENCE. VOL. 4*. New York: Mcmillan Company & the Free Press. p. 148-155.
46. Davies, Scott (1999), 'Subcultural Explanations and Interpretations of School Deviance'. *AGGRESSION AND VIOLENT BEHAVIOR (4-20)*. pp. 191-202.
47. Forman, Jane, Laura Damschroder (2008), 'Qualitative Content Analysis'. in Robert Baker & Wayne Shelton (eds). *EMPERICAL METHODS FOR BIOETHICS: A PRIMER*. Oxford: Linacre House, Jordan Hill. pp. 39-62.
48. Gudykunst, W. B. (2005), 'Theories of Intercultural Communication I'. *CHINA MEDIA RESEARCH (1-1)*. pp. 61-75.
49. Gelsthorpe, Loraine (2006), 'Subculture'. in Bryan S. Turner (ed). *THE CAMBRIDGE DICTIONARY OF SOCIOLOGY*. Cambridge: Cambridge University Press. pp. 613-614.
50. Holsti, Ole R. (1969), *CONTENT ANALYSIS FOR THE SOCIAL SCIENCES AND HUMANITIES*. Reading: MA, Addison-Wesley.
51. Jenks, Chris (2004), *SUBCULTURE: THE FRAGMENTATION OF THE SOCIAL*. London: Sage Publications Ltd.
52. Kim, Y.Y., K. McKay-Semmler (2010), 'The Context-Behavior Interface in Interethnic Communication: An Empirical Test Among College Students'. Paper presented at the annual meeting of the International Communication Association, Suntec Singapore International Convention & Exhibition Centre.
[available online] http://www.allacademic.com/meta/p402273_index.html.

53. Krippendorff, Klaus H. (2004), *Content Analysis: An Introduction to Its Methodology*. Thousand Oaks, Calif: Sage Publications, Inc.
54. Mitchell, Peter, Marianna Souglidou, Laura Mills, Fenja Ziegler (2007), 'Seeing Is Believing: How Participants in Different Subcultures Judge People's Credulity'. *EUROPEAN JOURNAL OF SOCIAL PSYCHOLOGY* (37-3). pp. 573-585.
55. Siegel, Larry J. (2011), *CRIMINOLOGY* (11th ed.). Belmont, CA: Wadsworth.
56. Ting-Toomey, S. (2009), 'Face negotiation theory'. In S. Littlejohn & K. Foss (eds), *ENCYCLOPEDIA OF COMMUNICATION THEORY*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications. pp. 371- 374.
57. White, Marilyn D., Emily E. Marsh (2006), "Content Analysis: A Flexible Methodology", *Library Trends* (55-1), pp. 22-45.
58. Wilson, Janet K. (ed) (2009), *THE PRAEGER HANDBOOK OF VICTIMOLOGY*. Santa Barbara, Calif: Abc-Clio, Llc.
59. Wrightsman, L. S., M. T. Nietzel, W. H. Fortune (1998), *PSYCHOLOGY AND THE LEGAL SYSTEM*. (4th ed). U.S.A.: Brooks/ Cole Publishing Company.